



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	الأهداء
۱۲	متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم
۱۴	مقدمه
۱۶	وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
۱۶	آیات بسیاری در قرآن مجید مسأله وحدت را بررسی و ریشه یابی کرده است
۱۶	دسته اول آیات منع از تقطع و تحزب
۱۸	دسته دوم آیات منع از اختلاف پس از وحدت
۲۵	دسته سوم آیات منع از تنازع و سست شدن :
۳۰	دسته چهارم منع از تفرقه پس از کشف حقیقت :
۳۸	دسته پنجم آیات اختلاف احزاب:
۳۹	وحدت اصولی و حقیقی
۴۰	نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم
۴۰	نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم
۴۱	۱ بیان «محور» وحدت
۴۱	۲ یادآوری «دستاوردهای» وحدت
۴۲	۳ تأکید بر وحدت «اصل و راه و هدف»
۴۳	۴ کاشت بذر اخلاق گرای، «فداکاری و ایثار»
۴۴	۵ تفویض اهداف والا و «مسئولیت‌های بزرگ»
۴۵	۶ بیان معیارهای «برتری»
۴۶	۷ تأکید بر «نقاط مشترک»

۴۷	۸ شیوه های مثبت گفت و گو
۴۸	شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دید قرآن
۴۸	وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
۴۸	۱ مقدمات گفت و گو
۵۱	۲ دو طرف گفت و گو
۵۳	۳ انتخاب برتر
۵۳	۴ احترام به عقاید دیگران و پرهیز از دشنام
۵۴	۵ موضوع گفت و گو
۵۶	۶ فضا سازی مناسب
۵۸	۷ شیوه گفت و گو برای تحقق وحدت اسلامی
۵۹	۸ هدف از گفت و گو
۶۱	وحدت در نگاه امام علی (ع) (۶۳)
۶۲	راه وصول به وحدت
۶۹	دعوت به سوی وحدت
۷۱	دعوت به سوی اتحاد
۷۶	عذاب عظیم در انتظار اختلاف گرایان
۷۸	بازگشت به قرآن عامل وحدت است
۷۹	تخریب نمادهای تفرقه
۸۲	بتخانه ای در چهره مسجد
۸۵	تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکنید
۸۹	تفرقه هم ردیف عذاب های آسمانی
۹۱	تفرقه نشانه شرک است
۹۳	وحدت ثمره توحید است
۹۶	اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه
۹۸	زشتی تفرقه و نفاق
۱۰۱	رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی

- ۱۰۳ ----- مذهب عامل وحدت است -
- ۱۰۶ ----- تفرقه عامل شکست ملت هاست -
- ۱۰۸ ----- نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی -
- ۱۱۲ ----- دستور دخول در سلم جمعی -
- ۱۲۰ ----- وحدت از دیدگاه سنت -
- ۱۲۰ ----- معنای جماعت -
- ۱۲۱ ----- پیامدهای اختلاف -
- ۱۲۹ ----- اختلاف کیفی الهی است -
- ۱۳۰ ----- معنای «پراکندگی امت من رحمت است» -
- ۱۳۲ ----- علت تفرقه و جدایی -
- ۱۳۴ ----- فهرست مطالب -
- ۱۴۰ ----- درباره مرکز -

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه: بیستونی، محمد، ۱۳۳۷، گردآورنده.

عنوان و نام پدیدآور: "وحدت" از دیدگاه قرآن و سنت/به اهتمام محمد بیستونی.

مشخصات نشر: قم: بیان جوان، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۳۲ ص. ۱۱×۱۷ س م.

شابک: ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۰۳۶۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: وحدت اسلامی جنبه های قرآنی.

موضوع: وحدت اسلامی احادیث.

رده بندی کنگره: BP۱۰۴/و ۳ب ۱۳۸۶ ۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۷۰۹۵۰

ص: ۱

اشاره

إلى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحَّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ

الْمُصْطَفَى وَ بِهِجِهِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدَتِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ التُّشَعِّعِ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ لَا سِيَّمَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ

الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،

الْحُجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ

الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدَلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَّمَسْنَا

(٤)

وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِئْنَا بِبِضَاعِهِ

مُزْجَاهٍ مِنْ وَوَلَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ

فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و

(۷)

خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را به عهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی شیرین،

ص: ۵

پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید

(۸)

آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برایشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

ص: ۶

مقدمه

دیرزمانی است که در جوامع اسلامی، وحدت مسلمین و اتحاد میان کشورهای اسلامی بر سر زبان هاست و احزاب و اشخاص سیاسی در بسیاری از بلاد اسلامی با همین شعارها قدرت را به دست گرفته و حکومت می رانند. صدها کتاب و مقاله در این باب نوشته می شود و خطبا و گویندگان و نویسندگان بر اهمیت و ضرورت آن تأکید می ورزند، اما در عمل گامی مثبت و تعیین کننده برداشته نمی شود. ریشه این ناکامی ها را باید در مبانی ای جستجو کرد که بدون توجه به آنها همه تلاش ها همچنان بی نتیجه خواهد ماند.

مشکل اصلی در خود انسان و باورهای اوست. وقتی که روح تفکر توحیدی و اصول اخلاقی و ارزشی که لازمه گرایش عمومی به وحدت است بر جوامع بشری حاکم نباشد تلاش ها ثمری نخواهد بخشید. وحدت و لزوم حفظ آن صرفاً یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و اقدامی عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست که بتوان بر این اساس اتحادی نیرومند و پایدار بنا نهاد.

(۱۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مگر می توان تفکر توحیدی داشت، خدای یگانه را پرستید، اراده الهی را در همه اشیاء و عالم هستی ساری و جاری دانست، اما در میدان عمل و ارتباط با خلق خدا نسبت به سرنوشت دیگران بی تفاوت ماند؟

مگر می توان مؤحد بود و در «سپاه اصحاب تفرقه» قرار گرفت؟! چگونه است که در صدر اسلام وقتی آوای توحید به گوش جان آنان که از ظلمت حاکمیت شرک و بت پرستی به ستوه آمده بودند، می رسد،

عصیت های جاهلی، فخرفروشی ها و قوم گرایی ها و افتخار به عشیره و نام و نسب، فرومی ریزند و همه آنچه که زمینه های اختلاف و تفرقه بودند حتی روابط سببی و نسبی نیز در مقابل اعتقاد به خدای واحد و نور عبودیت رنگ می بازند و جامعه ای پدید می آورند که «خیر امت» لقب می گیرد.

امروز کتاب خدا بی آن که حتی حرفی بر آن افزوده و یا کاسته شود در میان فرق اسلامی است، آئین و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منشور هدایت و راهنمای عمل ماست. قبله واحد، شعار واحد، نماز و مناسک واحد و صدها شعائر بزرگ اسلامی مورد اعتقاد همه مذاهب اسلامی است که می توانند محورهایی استوار و جاودانه

مقدمه (۱۱)

برای تشکیل امتی نمونه و واحد باشند. مردم، مشکل و گناهی ندارند. این علما و روشنفکران و زمامداران بلاد اسلامی هستند که می بایست رسالت خویش را در این شرایط خطیر ایفا کنند .

کتاب حاضر تلاشی است در جهت شناخت «مبانی و روش های ایجاد و تحکیم وحدت در جهان اسلام» و از آنجا که مخاطب اصلی این مؤسسه در همه آثار تألیفی جوانان فهمیده و روشنفکر می باشند، مطالب به صورت خلاصه و کم حجم تدوین شده است .

تهران تابستان ۱۳۸۶

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

ص: ۸

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

آیات بسیاری در قرآن مجید مسأله وحدت را بررسی و ریشه یابی کرده است

مابتداء این آیات رادسته بندی می کنیم، سپس توضیحاتی پیرامون آن ها خواهیم داد.

دسته اول آیات منع از تقطع و تحزب

«يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ . فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (۵۱ تا ۵۳ / مؤمنون)

خداوند ابتدا رسولان را مخاطب قرار می دهد که از طیبات بخورند و عمل صالح انجام دهند. بعد می فرماید: «این امت شما، یک امت واحد است و من پروردگار

(۱۳)

شما هستم»، ملاحظه می کنیم در این جا «وحدت بین مردم، با توحید پروردگار،

ص: ۹

لازم و ملزومند».

بعد می گوید: «فَاتَّقُون» تقوا پیشه کنید و از خدا پروا داشته باشید. این تقوا که در قرآن اینقدر به آن امر شده، جلو هوا و هوس، جهالت ها، نادانی ها و خودبینی ها را می گیرد.

یعنی اگر شما بخواهید در زمینه وحدت امت و توحید پروردگار موفق باشید، پیش شرطش تشبُّث و التزام به تقوا است. یعنی کنترل خود را از دست ندهید، و هر چه دلتان می خواهد، هر چه هوا و هوستان هست، هر چه دنیاتان اقتضاء می کند، انجام ندهید، بلکه خودتان را حفظ و کنترل کنید، خودنگهدار باشید.

بعد از این تذکر بلافاصله می گوید: «فَتَقَطُّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا...» این امت ها (یا

(۱۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

امت اسلام) امرشان را در پیشان تکه پاره کردند. «تَقَطُّع» یعنی با شدت و پی در پی و زیاد چیزی را قطعه، قطعه کردن، یعنی به صورت آشکار و روشن،

ص: ۱۰

اختلاف بینشان واقع شد و تکه پاره شدند، بعد می گوید: «كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» هر گروهی به آنچه خودش دارد دل خوش کرده است و تصور می کند تشخیص وی برترین تشخیص و رویه دیگران مردود است و همین طرز تفکر یعنی خودبرتربینی و نفی دیدگاههای تخصصی و کارشناسی سایرین، اولین شکاف را در دیوار عظیم وحدت ملی و اراده جمعی ایجاد می کند.

دسته دوم آیات منع از اختلاف پس از وحدت

ابتدا می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران)

آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۱۵)

(ای مسلمانها تقوا پیشه کنید، آن طور تقوایی که شایسته خداوند است) بسیار تکلیف شاقی است، قرآن قبل از امر به وحدت در آیه بعد، تقوی را مطرح می کند، آن هم در حدی که شایسته خداست. یعنی «تا شما دل هایتان، پاک پاک

نشود، و این نفس سرکش را درست کنترل نکنید، به وحدت نمی رسید»، مثلاً فلان عالم یارئیس می خواهد برتری خود را بر دیگران به کرسی بنشاند، بر حرف باطل خود اصرار می ورزد. همین امر، منشأ اختلاف می شود. باید تقوی داشته باشید آن گاه می گوید: (و سعی کنید، نمیریدمگر این که مسلم باشید) یعنی تادم مرگ تسلیم خدا باشید. انسانی که تسلیم هوا و هوسش می باشد، تقوا ندارد، تسلیم خدا هم نیست. بلکه تسلیم نفس خودش، تسلیم مال، جاه و مقامش است، و به وحدت نمی رسد، کما این که به توحید هم نمی رسد. پس در این آیه، و

(۱۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

آیه قبل «تقوی شرط رسیدن به وحدت» است.

در آیه بعد می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۱۰۳ / آل عمران).

ص: ۱۲

(به ریسمان خدا متمسک شوید و متفرق نشوید) تَفَرَّقُوا، یعنی فرقه فرقه شدن، تَقَطَّعَ یعنی قطعه، قطعه شدن، تَحَزَّبَ یعنی حزب، حزب شدن، بعد می گوید: «نعمت خدا را بر خودتان بیاد بیاورید که شما دشمن هم بودید، خدا بین دل های شما الفت داد، و در نتیجه این الفت برادر هم شدید (اخوت و الفت بین مسلمانان بزرگ ترین نعمت است) بعد می فرماید: «شما در کنار گودال آتش بودید، (به علت آن اختلافی که در جاهلیت داشتید تا مرز سقوط در آتش رفته بودید) خدا شما را

آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۱۷)

نجات داد» (انقاذ غریق، یعنی نجات دادن کسی که دارد غرق می شود، خداوند مسلمان ها را با وحدت از دریای آتش نجات داد یعنی «تفرقه دریای آتش است» بعد می فرماید: (این چنین خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند شاید هدایت بشوید).

در آیه بعد می گوید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ

يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱۰۴ / آل عمران) اگر شما بخواهید به این مفاهیم عالی برسید، در وحدت امت، و در اعتصام به «حَبْلِ اللَّهِ وَ تَقْوَا مَوْفِقَ بَاشِيدِ، شرطش این است که جماعتی از شما، به معروف امر و از منکر نهی کرده مردم را به خیر دعوت کنند، قرآن، بلافاصله مسأله دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می کند. یعنی «اگر جماعتی مصلح و خیرخواه و آمر به معروف و

(۱۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

ناهی از منکر، در بین مسلمانان نباشند، خود بخود مردم بطرف تفرقه و تحزب می روند» و حتما از تقوا دست برمی دارند.

شرط رفتن به طرف تقوی و وحدت، این است که عده ای همیشه مراقب باشند که مسلمان ها در کجا و در کدام منطقه دارند به طرف شر می روند، و از خیر دست برمی دارند. کجا دارند به راه تفرقه می روند و از راه وحدت دست برمی دارند، به آنها هشدار بدهند، باید چنین جماعتی در بین مسلمان ها باشد، که

ص: ۱۴

اگر بود «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» مسلمان ها رستگار می شوند. یعنی در راه پرییچ و خم اسلام و وحدت اسلامی باید این افراد، ما را راهنمایی کنند تا رستگار شویم.

در آیات بعد دوباره برمی گردد به مسأله تفرقه و می فرماید:

آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۱۹)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵/آل عمران)

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آن ها عذاب عظیمی دارند. سپس می گوید: «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ» (۱۰۶ / آل عمران) روزی خواهد آمد که گروهی روسفید و گروهی روسیاهند، آن هایی که صورتهايشان سیاه است،

ص: ۱۵

خداوند به آن ها چه می گوید؟ می گوید شما بعد از ایمان کافر شدید؟ بعد از وحدت، اختلاف پیدا کردید؟ بعد از این که در خط خیر بودید، به طرف شر رفتید؟ بلی «تفرقه بعد از وحدت در حقیقت، کفر بعد از ایمان است». آن گاه ادامه می دهد:

(۲۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

«وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (۱۰۷ / آل عمران) اما آن هایی که روسفید هستند، در رحمت خدا مخلص و جاودانند.

از سیاق این آیه به دست می آید که «طرفداران وحدت، در دنیا روسفید و در آخرت رستگارانند. و طرفداران تفرقه به عکس، در دنیا و آخرت مشمول عذاب هستند و روسیاهند».

وحدت و اخوت اسلامی، نعمت خدا در این جهان، و باعث راحتی و آسایش در آخرت است، و بالعکس تفرقه در دنیا، مایه عذاب اخروی است. بلی، روسفیدی در دنیا مایه روسفیدی آخرت و سیه رویی دنیا مایه سیه رویی آخرت است.

ص: ۱۶

قرآن با این دو تعبیر (روسپاهی و روسفیدی) وضع مردم خوشبخت و بدبخت را مجسم می کند حالا عجیب این است که قرآن پس از این مطلب، یعنی

آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۲۱)

بحث از وحدت و تفرقه دوباره مسأله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می کند.

اول بحث از وحدت و اختلاف بود، آن گاه مسأله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کرد، بعد به بحث تفرقه و اختلاف برگشت، و باز برای بار دوم به امر به معروف و نهی از منکر برمی گردد و می گوید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/۱۱۰) (شما در وقتی بهترین امت هستید که امر به معروف و نهی از منکر کنید) معروف، همان وحدت و اخوت است، منکر در این جا، همان تفرق، تحزب، و اختلاف، و از ایمان به طرف کفر رفتن است. بنابراین، «مسأله وحدت و اختلاف با مسأله امر به معروف و نهی از منکر کاملاً رابطه دارد».

ص: ۱۷

در پایان این آیات اهل کتاب را برای ما، مایه عبرت قرار می دهد و در آیه بعد می فرماید:

(۲۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

«ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةَ أَيْنَ مَا تَقِفُوا...» (۱۱۲ / آل عمران) هر جا شناخته شوند، دلیل هستند. یعنی ای مسلمان ها، اگر شما هم از وحدت دست بردارید و به طرف تفرقه و تحزب بروید، شما هم همین سرنوشت را خواهید داشت. چرا مسلمان ها در برابر دیگران ذلیل اند؟ چرا دیگران جلو افتاده اند، و بر مسلمانان مسلط شدند؟ قبلاً دو ابر قدرت در جهان بود. حالا یک ابر قدرت، در آینده چند ابر قدرت؟ همه هم غیر مسلمان و مسلط بر مسلمانان چرا؟ برای این که مسلمان ها راه تفرقه را رفته اند. بنابراین «تفرقه و تحزب ملازم با ذلت است».

دسته سوم آیات منع از تنازع و سست شدن :

«وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۴۶ / انفال)

ص: ۱۸

خدا و رسول را اطاعت کنید. (این اطاعت از خدا و رسول، همان اعتصام به حبل الله و همان تقوایی است که قبلاً گفته شد که منشأ وحدت و خیر است)، با هم نزاع نکنید، نزاع و منازعه یعنی دعوا کردن، با یکدیگر جنگ کردن، اختلاف باید به صورت تنازع درنیاید، به صورت دعوا کردن نباشد، خوب اگر نزاع کردیم و اختلافات به منازعه رسید چه می شود؟ «فَتَفَشَلُوا» «فَشَلَّ» یعنی سست شدن، جامعه شما یک جامعه معیوب و سستی می شود که زود می توان آن جامعه را ذلیل کرد، بعد می گوید: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» یعنی اگر شما بخواهید جلو این تنازع و فَشَلَّ را بگیرید، باید صبر کنید، صبر یک رابطه قوم و خویشی با تقوا دارد، چون تقوا هم بدون صبر نمی شود، اگر انسان دلش چیزی را خواست و یک فکر شیطانی به آن دست داد، باید صبر کند و خود را کنترل نماید.

(۲۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

صبر چند قسم است، یک قسم آن صبر در معصیت است که این جا چنین

است یعنی اگر منشأ اختلاف هوی و هوس و غرض و مرض است باید صبر کرد. یا اگر اختلاف نظری هست باید تحمل کرد، اگر دو مسلمان با یکدیگر در یک مسأله اختلاف نظر دارند، (که این را اسلام رد نکرده)، نه هوا و هوس، نه تحزب، نه تفرق و نه تقطع اگر اختلاف نظر دارند باید یکدیگر را بپذیرند، تحمل کنند و «در برابر اظهار نظر مخالف تحمل و صبر داشته باشند». پس راه این که منازعات به تقطع و تفرق نینجامد، تقوا و صبر است.

«وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعِدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...» (آل عمران ۱۵۲)

آیات منع از تنازع و سست شدن (۲۵)

ما شما را تأیید می کنیم و کردیم، تا کی چنین بود؟ «حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ...» تا هنگامی که سست شدید، جامعه واحد به هم بسته و نیرومند شما

سست شد، و پس از این که فتح و پیروزی را که دوست داشتید به شما ارائه داد، شما به گناه روی آوردید، با یکدیگر در کار خود به نزاع پرداختید. اینجا دیگر خدا وعده نداده که شما را حمایت کند. تا جایی که اخوت و برادری را حفظ و خدا را یاری کردید، وعده کردیم شما را نصرت دهیم و دادیم، «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ...» (۷ / محمد).

مسلمنا نصرت خدا شرط دارد. اما وقتی سست ایمان شدید، و به جان هم افتادید و بهانه گیری میان شما شروع شد و گناه رواج پیدا کرد دیگر از نصرت ما خبری نیست.

(۲۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

حالا باید دید چرا اختلاف و تنازع پیدا کردند؟ چرا بعد از اطاعت، به عصیان گرویدند؟ می فرماید: «مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ...» .

اختلاف شما سردنیاست، دعوا سر دنیا است، همه اختلافات

ص: ۲۱

ریشه اش حُبّ دنیا است « رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا » (۱) واقعا همین طور است، حتی اختلافات فکری، سیاسی، حزبی منشأش حُبّ دنیا است زیرا امکان ندارد کسی یا گروهی برای رضای خدا از وسایلی شیطانی استفاده کند. در برابر این نوع از اختلاف، اختلاف دیگری هم هست، انسانی که در طلب حق است، مطالعه می کند، بحث می کند، سؤال می کند، ولی مادامی که به حق نرسیده، با

آیات منع از تنازع و سست شدن (۲۷)

کسان دیگری که آنها هم در جستجوی حق هستند، اختلاف دارد. اما این اختلاف ناشی از، هوا و هوس، دنیاطلبی، ریاست طلبی، حزب بازی و تفرقه طلبی نیست. اختلاف نظر است، چون واقع را ندیده اند با هم اختلاف دارند، این نوع اختلاف مذموم نیست زیرا باعث کشف حقایق و تنویر افکار عمومی خواهد شد .

ص: ۲۲

۱- الکاافی: ۲/۳۱۵/۱ .

دسته چهارم منع از تفرقه پس از کشف حقیقت :

در چند آیه می خوانیم که بسیاری از افراد پس از این که علم پیدا کردند و حقیقت برای آنها کشف شد اختلاف پیدامی کنند. این اختلاف را قرآن منع می کند. حتی آنرا نشانه کفر می داند. از جمله در این آیات:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ...» (۱۰۵ / آل عمران). شما مانند آن امت ها و جمعیت هایی نباشید که پس از این که آیات

(۲۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

بیانات و علم به سراغشان آمد، اختلاف کردند و به تفرق گرائیدند.

«أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ... وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (۱۳ و ۱۴ / شوری) آنان متفرق نشدند مگر بعد از آن که علم به سراغشان آمد. یعنی از روی علم و عمد، اختلاف کرده و متفرق شدند چرا؟ «بَيْنَهُمْ» برای این که بعضی از آن ها می خواستند بر دیگری تجاوز کنند.

«بُعَى» به معنی تجاوز و ستم است، مثلاً می بیند اگر لحظه ای کوتاهی کند، ریاست را دیگری خواهد گرفت، لذا قیام می کند، دیگری هم همین طور، اینجاست که تفرقه پیدا می شود. موضوع این نیست که صرفاً در یک مسأله علمی، اختلاف دارند، بلکه این است که این یکی می خواهد بر دیگری سیطره پیدا کند، و او هم می خواهد بر رقیب خود تسلط یابد، این امر هم غالباً بعد از علم است.

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۲۹)

چنین نیست که در راه طلب علم قدم می زنند و می خواهند به حق برسند. نه به حق رسیده اند اما چون هر یک هدف پلیدی دارد، و می خواهد به آن برسد، راهش را جدا می کند و اختلاف پیدا می شود.

«وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (۲۱۳/بقره)

این فرقه ها اختلاف پیدا نکردند، مگر پس از آن که به آن ها کتاب داده شد و پس از این که بینات به سراغشان آمد، (بغياً بَيْنَهُمْ) باز برای

این که، بعضی می خواستند بر بعضی دیگر سیطره پیدا کنند.

این آیات، غالباً درباره بنی اسرائیل است، در چند جا از آنان اسم می برد. مانند:

«وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ» (۱۹ / آل عمران)

(۳۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

اهل کتاب اختلاف نکردند، مگر پس از این که علم پیدا کردند، برای این که می خواستند بعضی بر بعضی دیگر تجاوز کنند، و برتری طلبی باعث شد که اختلاف کنند.

در آیه دیگر می گوید: «وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (۹۳ / یونس)

به بنی اسرائیل طیبات دادیم، ریاست دادیم، (در آیه بعد می گوید: «فَضَّلْنَاهُمْ

عَلَى الْعَالَمِينَ» یعنی: آنان را بر همه جهانیان عصر خودشان برتری دادیم) اما این ها، بعد از این همه نعمت ها، و بعد از آمدن کتاب و بیانات و علم، دسته دسته و متفرق شدند. چنین کسانی مسلماً تقوا ندارند. و در برابر هوا و هوس

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۳۱)

صبر هم ندارند.

آیه دیگر: «وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (۱۶ و ۱۷ / جاثیه)

قرآن به دفعات داستان های بنی اسرائیل را برای مسلمانان نقل کرده، برای این که عبرت بگیرند بنی اسرائیل سیادت پیدا کردند، و بر فرعون غلبه کرده و حکومت تشکیل دادند. در زمان خودشان بر اقوام دیگر برتری داشتند، و به قول

ص: ۲۶

بعضی از مورخین پرچم توحید در زمان قدرت بنی اسرائیل، در دست آن ها بود. امت های دیگر مؤحد نبودند. بعد از این یک مرتبه بدبخت

(۳۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

شدند، چرا؟ «فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» اختلاف نکردند مگر زمانی که علم به سراغشان آمد، زیرا قصد تجاوز به یکدیگر را داشتند.

شما، اگر تورات موجود را (که در حقیقت، تاریخ بنی اسرائیل است و مسلماً بعد از حضرت موسی نوشته شده، و نه یک کتاب آسمانی) مطالعه کنید، رقابت های بین بنی اسرائیل را مشاهده خواهید کرد. حتی رقابت های آنان، به حدی رسید که در همین فلسطین کوچک، دو حکومت تشکیل دادند: در شمال حکومتی به نام اسرائیل و در جنوب حکومت دیگر به نام یهود.

این ها را تاریخ نوشته، و قرآن می خواهد به مسلمان ها بگوید: شما از آنان عبرت بگیرید، راز سقوط آنها را بررسی کنید، چشمتان را باز کنید و ببینید

ص: ۲۷

بنی اسرائیل که به اوج قدرت رسیدند، چه شد که به فرموده قرآن تا قیامت

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۳۳)

توسری می خورند و ذلیل هستند. و به گفته قرآن: «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ» (۱۱۲/آل عمران)، مهر ذلت بر پیشانی آن ها خورده است!!! همین دو دستگی ها و اختلافات، باعث شده است که چنین بشوند، شما مسلمان ها مبادا به سرنوشت آن ها دچار بشوید، که متأسفانه دچار شده ایم.

دنباله آیه تهدید می کند و می فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» پروردگار تو روز قیامت در بین این ها حکم خواهد کرد، در آن چه اختلاف کرده اند، خواهد گفت: اختلافتان باطل بوده، اسفار تورات دست شما بوده، بیانات داشتید، اما به بیراهه رفتید، همه شما باطل هستید، نه این که یکی از شما حق است و دیگری باطل. خیر همه شما بر باطلید، و این وعده عذابی است از طرف خدا، به کسانی که بعد از اقامه بیته و حصول علم

ص: ۲۸

برای آنان، از روی هوا و هوس به سوی تحزب، ریاست طلبی و دنیاطلبی رفتند.

در جای دیگری گوید: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلِيَّ شَرِيحَةً مِنَ الْأُمُورِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (۱۸ / جاثیه).

ای پیامبر، ما یک راهی از دین را به تو نشان دادیم، پس تو به آن متشبث باش و از هوا و هوس های مردم جاهل تبعیت نکن، خطاها و اختلاف و تفرق، پیروی هواست، امیرالمؤمنین در خطبه شریفه ای می فرماید: «إِنَّ أَخْوَفَ عَلَيْكُمْ إِيْتِنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ» (۱)، بزرگترین چیزی که من از آن برای شما نگرانم دو چیز است: یکی این که پیروی هوای نفس کنید یعنی از تقوایی که سرشته وحدت بود دست بردارید، دیگر این که آرزوهای دور و دراز داشته باشید که اگر هزار سال

ص: ۲۹

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۳۵)

هم عمر کنید به آن نمی رسید.

همین دو امر باعث می شود که انسان از حق دست بردارد و در نتیجه اختلاف پیدا می شود.

«وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ...» (هود / ۱۱۰) ما به موسی کتاب دادیم سپس در آن اختلاف کردند و اگر قضای حتمی خداوند نمی بود میان آنان (با عذاب) حکم می شد، و آنان در شکی شبهه ناک به سر می برند، یعنی پس از این که کتاب آمد، آنان در خود کتاب اختلاف کردند. «وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (بقره / ۱۷۶)، آنهایی که در کتاب اختلاف می کنند، آنها در یک شکاف و شقاق و تفرقه، بسیار دور از حق هستند. ملاحظه می کنید در آیات سابق اختلاف در حق

(۳۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

پس از علم به آن مطرح بود، اما در این دو آیه اختلاف در خود کتاب الهی عنوان

ص: ۳۰

شده است که حتماً منشأ اختلافات دیگر خواهد شد.

دسته پنجم آیات اختلاف احزاب:

در آیاتی چند از قرآن، مسأله اختلاف احزاب را مطرح می‌کند: «فَمَا خْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ» (۳۷ / مریم)، احزاب در بین خودشان اختلاف کردند، اصلاً اگر امت، حزب، حزب شد حتماً اختلاف هست، اگر اختلاف ندارند چرا چند حزب شدند؟ هر جا قرآن می‌خواهد مذمت کند، کلمه (احزاب) را می‌آورد، آنجائی که (حزب) است، همان حزب الله است، تعریف می‌کند، یعنی حزب الله در بین مسلمانان فقط یک حزب است، و اگر به احزاب تقسیم شدند دیگر فاجعه است. (۱)

ص: ۳۱

۱- ندای وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ص ۶۴.

وحدت اصولی و حقیقی

قرآن کریم در نفی انواع دروغین وحدتی که زیر عنوان «وحدت فیزیکی و مادی» می‌گنجد، به وحدت حقیقی، اشاره می‌کند ؛ وحدت های دروغین از این قرارند:

وحدت بر اساس منافع سیاسی ؛

وحدت بر اساس پایه قومی ؛

وحدت بر اساس تعصب های قبیله ای ؛

وحدت بر اساس مرز جغرافیایی ؛

وحدت بر پایه تاریخ مشترک ؛

(۳۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

وحدت بر پایه تمدن مادی ؛

وحدت بر اساس منافع طبقاتی ؛

قرآن هیچ یک از این انواع و گونه های وحدت را، عامل قطعی پیروزی

نمی شمارد؛ اما درمقابل بر روی «وحدت دل ها»، یعنی وحدتی انگشت می گذارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اگر هر آنچه در روی زمین است بپردازد، نمی تواند با عوامل مادی، آن را تحقق بخشد.

آیه ۱۰۳ سوره آل عمران به این نوع «وحدت اصولی و حقیقی» اشاره کرده و می فرماید: «وَأَذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...» .

آیات اختلاف احزاب (۳۹)

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم

با توجه به این که قرآن کریم، خود در پی وحدت اسلامی است، برنامه جامع، عملی و گسترده ای را برای تحقق آن، ترسیم می کند که شامل اصول والا و برگرفته از ارزش های حیاتی آن است. ما در این جا، در پی بررسی جزئیات این برنامه بزرگ نیستیم، بلکه تنها به نمادها و اصول آن به منظور تحقق هدف مورد

ص: ۳۳

نظر خود از این مبحث، اشاره می کنیم:

۱ بیان «محور» وحدت

به تعبیر قرآن کریم: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱۰۳ / آل عمران)، و همگی به ریسمان خدا چنگ زیند و پراکنده نشوید. «ریسمان الهی» و ابزار تحقق خشنودی او، خود اسلام و قرآن و هر خط و مرزی است که خطا در آن راه نیابد.

(۴۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

۲ یادآوری «دستاوردهای» وحدت

برای آن است که احساس ضرورت وجودی وحدت، همواره دردل ها، زنده بماند و امت را به فراتر رفتن از اختلافات گذرا و به یک سو نهادن آن ها، فراخواند:

«وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْيَادًا فَآلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۱۰۳ / آل عمران)، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که دشمنان یکدیگر بودند؛ پس میان دل های شما الفت برقرار کرد تا به لطف او برادران هم

ص: ۳۴

شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند باشد که راه یابید.

۳ تأکید بر وحدت «اصل و راه و هدف»

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن (۴۱)

تأکید بر این که اصل، یکی است: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (۱ / نساء)؛ همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید. و انگشت بر این نکته که راه هم یکی است: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (۱۳ / شوری)؛ از احکام دین، آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که: دین برپادارید و در آن تفرقه اندازی نکنید. یعنی همه حرف پیامبران الهی در یک جمله خلاصه می شود که عبارتست از: دین «مدار بودن و پرهیز از اختلاف».

ص: ۳۵

و بر یگانه بودن هدف نیز، تأکید می‌کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (۵۶ / ذاریات)، و جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا بپرستند.

(۴۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

و سرانجام، همگان را فرامی‌خواند تا به اتفاق، وارد حوزه «تسلیم کامل در برابر خداوند» متعال گردند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (۲۰۸ / بقره)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت خدا درآید و گام‌های شیطان را دنبال می‌کنید.

۴ کاشت بذر اخلاق گرایی، «فداکاری و ایثار»

کاملاً روشن است که از جمله شرایط وحدت و پیمودن راه مشترک، به فراموشی سپردن بسیاری از منافع فردی و کار در چارچوب منافع جمع و گروه واحد است؛ در این میان، اسلام عزیز، تنها ایدئولوژی‌ای است که در ضمن یک برنامه پرشکوه، مشکل اجتماعی «تضاد میان خواست‌های فردی و منافع جمع» را

ص: ۳۶

حل می کند و بدین ترتیب، اساس وحدت را پی می ریزد. از جمله محتویات این

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن (۴۳)

برنامه، کاشت بذر اخلاق گرایی و پرورش روحیه ایثار در جان ها «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (۹ / حشر)؛ و هر چند در خودشان احتیاجی مبرم باشد دیگران را بر خودشان مقدم می دارند. و پروراندن روحیه کار و تلاش در راه خدا «إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لِأَنزِيدُمْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (۹/انسان)؛ ما برای خشنودی خداست که شما را اطعام می کنیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.

۵ تفویض اهداف والا و «مسئولیت‌های بزرگ»

از جمله شیوه قرآن کریم، تفویض اهداف والای امت و واگذاری وظایف و مسئولیت های بزرگ و تمدن ساز به آنهاست؛ برای مثال می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»، شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید.

و در جای دیگری می گوید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَىٰ

النَّاسِ وَ يَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» همان گونه (که قبله شما ، یک قبله میانه است ،) شما را نیز امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال که میان افراط و تفریط هستید) تا گواه بر مردم باشید. (۱۴۳ / بقره)

۶ بیان معیارهای «برتری»

ملاک های برتری از نظر قرآن کریم، از این قرارند:

تقوی: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ» (۱۳ / حجرات)

دانش: «هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟» (۹ / زمر)

جهاد و کوشش: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً» (۹۵ / نساء)

کاملاً روشن است چنان چه این معیارها، از سوی جامعه و امت، پیاده گردد،

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن (۴۵)

دارای بیشترین هم پیوندی و همبستگی خواهد گشت.

۷ تأکید بر «نقاط مشترک»

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آزْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (۶۴ / آل عمران)؛ بگو «ای اهل کتاب، بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است متمرکز شویم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد».

چنین کاری، مسلمانزیمه خوبی برای تفاهم و نیل به حقیقت فراهم می آورد. این شیوه، ناگزیر باید ما مسلمانان را به انگشت گذاردن بر نقاط مشترک میان خود، سوق دهد؛ نقاط مشترکی که بی تردید خیلی بیش از آنی است که تصورش می رود

(۴۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

و شامل همه زمینه ها، می گردد.

شگفت این که برخی از ما، آماده همزیستی با یک کمونیست ملحد هستیم و با

ص: ۳۹

آرامش و خونسردی با او بحث می کنیم؛ اما احیانا آمادگی آن را نداریم که به روی مسلمانی که در برخی موارد جزیی با او اختلاف نظر داریم، نگاه کنیم! آیا این کار، مربوط به دشمنان خدا نیست؟

۸ شیوه های مثبت گفت و گو

قرآن کریم، برای گفت و گو با دشمنان، شیوه عملی و بسیار جالبی را مطرح می سازد، درباره دوستان و پیروان که جای خود دارد. قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آموزد تا به رغم ایمان شدید پیامبر به باورهای خود، به کافران بگوید: «وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (۲۴ / سبأ)؛ و در حقیقت یا ما یا شما

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن (۴۷)

بر هدایت یا گمراهی آشکاریم.

این شیوه های کاملاً منطقی و عملی در گفت و گوها و روشی برتر برای نیل به یک نتیجه صحیح از چنین راهی است. ناسزاگویی و طرد و ضرب و شتم و امثال

ص: ۴۰

آن، نه تنها هیچ نتیجه ای به دست نداده تأثیر مثبتی به جای نمی گذارد، اثر معکوس هم دارد. گفت و گوی آرام و علمی و منطقی میان دو طرفی که به رغم اختلاف در داده ها و زمینه ها، آماده پذیرش حق و به دنبال حقیقتند و در این راه از برهان و استدلال منطقی بهره می گیرند، ضامن رسیدن به باورهای مشترک و تشکیل پایه و مبنایی برای وحدت و عرصه ای برای همکاری های مشترک است.

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دید قرآن

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

بدون شک با تأمل در آیات قرآن مجید، می توان شالوده و ادبیات گفت و گو را کشف کرد که به ذکر مهمترین آن ها بسنده می کنیم:

۱ مقدمات گفت و گو

مجموعه مسائلی وجود دارد که پیش از گفت و گو، باید حل شده باشند. این آیه قرآنی نیز تأکید دارد که دعوت کننده به خدا باید کاملاً آگاه و با بینش روشن

اقدام به این کار کند: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (۱۰۸ / یوسف) بگو: این راه من است که من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم، منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم.

و نیز باید بر اصول مسلم اولیه، اتفاق نظر وجود داشته باشد؛

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دید قرآن (۴۹)

چنانچه از پیش اصول توافق شده و فرضیات مسلمی هرچند اولیه و بدیهی وجود نداشته باشد، محال است که بتوان به نتیجه مشخصی رسید.

از این جاست که قرآن کریم، در برابر آن دسته کسانی که منکر اصول مسلم و بدیهی هستند، «بر خطا بودن ایشان» را یادآور می‌شود و آنان را در برابر پرسش‌های فطری و وجدانی، قرار می‌دهد، وقتی مقلدان، به یک اصل ایمان می‌آورند (دنباله روی کورکورانه از پدران) و اصول دیگر را انکار می‌کنند،

ص: ۴۲

نمی توان با ایشان به گفت و گو نشست ؛ بنابراین از آن ها سؤال می شود که: «اگر می دانستید که پدرانتان، دیوانه بوده اند آیا باز هم از آنان پیروی می کردید؟» پاسخ این پرسش البته که منفی است و هم در این جاست که گفت و گو بر اساس یکی از اصول مسلم، یعنی «ملاک عقل» آغاز می گردد، خداوند متعال می فرماید:

(۵۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

«وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا "أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ"» (بقره / ۱۷۰) ؛ چون به ایشان گفته شود که از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید گویند: نه، ما به همان راهی می رویم که پدرانمان می رفتند حتی اگر پدرانشان بی خرد و گمراه بوده اند. و نیز می فرماید: «وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ». قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (۲۳ و ۲۴ / زخرف) ؛ بدین سان، پیش از تو به هیچ

ص: ۴۳

قریه ای بیم دهنده ای نفرستادیم مگر آن که متنعماتش گفتند: پدرانمان را بر آیینی یافتیم و به اعمال آن ها اقتدا می کنیم. گفت: حتی اگر برای شما چیزی بیاورم که از آن چه پدرانتان را بر آن یافته بودید هدایت کننده تر باشد؟ گفتند: ما به آیینی که

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دیدقرآن (۵۱)

شما بدان فرستاده شده اید بی ایمانیم. پاسخ طبیعی نیز آن است که «از آنچه هدایت گری بیشتری دارد و هدایت کننده تر است، باید پیروی شود.»

۲ دو طرف گفت و گو

شرایطی وجود دارد که دو طرف باید از آن ها برخوردار باشند از جمله آن که «از نظر سطح آگاهی و دانش» دو طرف در حد و اندازه موضوع گفت و گو باشند؛ زیرا گفت و گو درباره موضوعی که هیچ یک یا یکی از دو طرف، سررشته ای در آن ندارد و در صورت نیاز به تخصص، متخصص آن نیست، معنایی ندارد. خداوند متعال می فرماید: «ها أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجِبُونَ فِيمَا فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا

ص: ۴۴

لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (۶۶ / آل عمران)؛ شما کسانی هستید که درباره آن چه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید، چرا درباره آن چه

(۵۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

آگاه نیستید، گفتگو می کنید؟ و خدا می داند و شما نمی دانید .

دیگر این که دو طرف گفت و گو ضمن برخورداری از انصاف، کاملاً «بی طرف» باشند. قرآن کریم در خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از چنان ایمان مستحکمی برخوردار بود که هیچ کسی تردیدی در آن ندارد از وی می خواهد که با موضع بی طرفی وارد گفت و گو گردد:

«وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (۲۴ / سبأ)؛ اینک ما و شما یا در طریق هدایت هستیم یا در گمراهی آشکار.

و نیز در همین زمینه می فرماید: «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا اتَّبِعْهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۴۹ / قصص)؛ بگو: اگر راست می گوئید از

ص: ۴۵

جانب خداوند کتابی بیاورید که از این دو (مراد تورات و قرآن است)

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دید قرآن (۵۳)

بهرتر راه بنماید تا من هم از آن پیروی کنم.

۳ انتخاب برتر

قرآن کریم به مسلمان می آموزد که بشنود و مقایسه کند آن گاه از بهترین ها، پیروی نماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (۱۷ و ۱۸ / زمر) ؛ بندگان مرا بشارت ده، آن کسانی که به سخن گوش می دهند و از بهترین آن پیروی می کنند). نکته ظریف در آیه این است که می گوید «خوب و بد» را بشناسید تا بتوانید «بدتر» را رها و «خوب تر» را انتخاب کنید.

۴ احترام به عقاید دیگران و پرهیز از دشنام

هر دو طرف باید به نظر و عقاید دیگری احترام بگذارند، این مطلب از توجه به لحن برخی آیات قرآنی قابل درک است، مثلاً «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

ص: ۴۶

فَيَسْأَلُوكَ اللَّهُ عَمَدُوا بَغْيِرِ عِلْمٍ» (۱۰۸ / انعام)؛ چیزهایی را که آنان به جای الله می خوانند، دشنام مدهید که آنان نیز بی هیچ دانشی، از روی کینه توزی به الله دشنام دهند. و نیز: «قُلْ لَا تَسْتَأْذِنُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُنْذِرُكُمُ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (۲۵ / سبأ)؛ بگو: ما اگر مرتکب جرمی شویم، شمارا بازخواست نمی کنند و اگر شما کاری انجام دهید ما را بازخواست نخواهند کرد.

اوج زیبایی این تعبیر در مقایسه دو عبارت «أَجْرَمْنَا» (مرتکب جرم شدیم) از یک سو و «تَعْمَلُونَ» (کاری انجام دهید) از سوی دیگر، نهفته است.

۵ موضوع گفت و گو

موضوع گفت و گو باید عینی و واقعی باشد، چنان چه موضوعی وهمی یا از جمله امور غیر قابل درک برای طرف دیگر باشد، گفت و گو بی ثمر خواهد

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دیدقرآن (۵۵)

بود، در این حالت، بحث را باید متوقف کرد و به پرسش های مطرح شده،

پاسخی نداد یا پاسخ‌هایی داد که خیلی کلی باشد، آیاتی که در پی می‌آید در همین معنا مطرح شده‌اند:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» (۱۸۹ / بقره)؛ از تو درباره هلال‌های ماه می‌پرسند بگو برای آن است که مردم وقت کارهای خویش و زمان حج را بشناسند.

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي» (۱۸۷ / اعراف)؛ درباره قیامت از تو می‌پرسند که چه وقت فرامی‌رسد. بگو: علم آن نزد پروردگار من است.

«وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (۸۵ / اسراء)؛ تو را از

(۵۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

روح می‌پرسند بگو: روح جزئی از فرمان پروردگار من است... .

«وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا» (۱۰۵ / طه)؛ تو را از کوه‌ها

می پرسند. (که سرنوشت آنها در آستانه قیامت چه می شود؟) بگو: پروردگار من همه را پراکنده می سازد.

قرآن، همین موضع را در برابر کسانی که اقدام به طرح مسائل جدل انگیز یا نه چندان جدی می کنند، در پیش گرفته است. بر همین اساس، تنها باید به مسائل عملی و ملموس، پرداخته شود:

«فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» (۱۷ / رعد)؛ اما کف به کناری افتد و نابود شود و آنچه برای مردم سودمند است در زمین پایدار بماند....

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دیدقرآن (۵۷)

۶ فضا سازی مناسب

برای آن که گفت و گو برای وحدت اثر مثبتی در پی داشته باشد، باید فضاسازی مناسب قبل از مذاکره فراهم شود.

بهترین مثال در این باره، فضای انفعالی است که مشرکان در برابر پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله پدید آوردند و او را به جنون متهم ساختند؛ در چنین فضایی استدلال کردن در رد این اتهام، معنایی نداشت؛ بنابراین قرآن کریم از آن حضرت می خواهد در وهله اول با حذف چنین فضا و فاصله ای به منظور ایجاد جو تفکر و اندیشه وارد مرحله بعدی شود.

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدِهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادِي ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ»
(۴۶ / سبأ)؛ بگو: شما را

(۵۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

به یک چیز اندرز می دهیم، دو به دو، و یک به یک برای خدا قیام کنید سپس بیندیشید، تا بدانید که در یار شما (مراد پیامبر صلی الله علیه و آله است) دیوانگی نیست. اوست که شما را از آمدن عذابی شدید می ترساند.

ص: ۵۰

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دیدقرآن (۵۹)

۷ شیوه گفت و گو برای تحقق وحدت اسلامی

قرآن کریم، نشانه های برجسته ای از این شیوه را یادآور می شود؛ از جمله انعطاف پذیری، عدم تعصب در روش ها و سرانجام گزینش بهترین راه ها، خداوند متعال می فرماید:

«أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل / ۱۲۵)؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن؛ زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده اند، آگاه تر است و هدایت یافتگان را بهتر می شناسد.

«وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (اسراء / ۵۳)؛ و به بندگان من بگو که با

(۶۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند....

ص: ۵۱

«وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (۴۶ / عنکبوت) ؛ با اهل کتاب جز به نیکوترین شیوه مجادله نکنید... .

نشانه دیگر، رعایت منطق و استدلال درست است به گونه ای که بحث مورد نظر بدون از این شاخ به آن شاخ پریدن و جدال های بی فرجام به صورت طبیعی از زمینه چینی و مقدمات، به نتیجه گیری برسد. آیات قرآنی که از جدل و مناقشه و منازعات لفظی نهی می کنند فراوانند از جمله به استدلال و برهان فرامی خواند و می گوید: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» (۶۴ / نمل) ؛ بگو دلایل خود را مطرح سازید.

۸ هدف از گفت و گو

هدف، وصول به گستره های مشترک میان دو طرف است که از این آیه

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دیدقرآن (۶۱)

برداشت می شود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (۶۴ / آل عمران)،

ص: ۵۲

بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم، آن که جز خدای رانپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از مابعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد... (۱).

وحدت در نگاه امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

(۶۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

«امم پیشین تا مادامی که با هم ید واحده بوده اند، همواره در حال پیشرفت و شکوفایی بوده و به عزت و اقتدار و خلافت و وراثت زمین نائل گشته، رهبر و زمامدار جهانیان شده اند. و از آن هنگام که خدا را فراموش کرده و به مادیگری روی آورده دچار خودبرتربینی و تعصبات قومی و فرقه ای و تشتت و پراکندگی

ص: ۵۳

۱- درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، محمد علی تسخیری، چاپ اول.

گشته، با هم به نبرد پرداخته اند؛ خداوند لباس کرامت و عزت و خلافت را از تنشان بیرون آورده و خیر و برکت و وفور نعمت را از آنان سلب و به ذلت و استعمار مبتلا کرده است. به عنوان نمونه کسراها و قیصرها در اثر تفرقه، بر بنی اسرائیل مسلط شدند و آن‌ها را به بردگی گرفتند، و از سرزمین‌های آباد و کناره‌های دجله و فرات به بیابان‌های کم‌گیاه و بی‌آب و علف تبعید کردند، و به ذلت و فقر و مسکنت و جهل و پراکندگی دچار ساختند.

وحدت در نگاه امام علی (ع) (۶۳)

خداوند با نعمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسلام، بنی اسماعیل و سایر مسلمانان را متحد و برادر ساخت و پر و بال کرامت خود را بر آن‌ها گشود؛ نه‌های مواهب خود را به سویشان جاری گرداند؛ و آنان را به نعمت و قدرت و عظمت و عزت رساند؛ و حکومتی پایدار نصیبشان ساخت بطوری که کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت. متأسفانه پس از چنین هجرتی

باشکوه، مسلمانان به احزاب و فرقه‌های گوناگون تقسیم شدند» (۱).

راه وصول به وحدت

(۶۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

مردم (در آغاز) یک دسته بودند (و تضادی در میان آن‌ها وجود نداشت، به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آن‌ها پیدا شد، در این حال) خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب

ص: ۵۵

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵.

آسمانی که به سوی حقّ دعوت می کرد، با آن ها نازل نمود تا در میان مردم در آن چه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد با ایمان در آن اختلاف نکردند) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند و نشانه های روشن به آن ها

راه وصول به وحدت (۶۵)

رسیده بود، به خاطر انحراف از حقّ و ستمگری در آن اختلاف کردند، خداوند آن هایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آن چه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش رهبری نمود (اما افراد بی ایمان همچنان در گمراهی و اختلاف باقی ماندند) و خدا هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند. (۲۱۳ / بقره)

« اُمّه » بنا بر نظر « راغب » در « مُفْرَدَات » به معنی هر جماعتی است که نوعی رابطه و وحدت در میان آن ها باشد، خواه وحدت دینی باشد یا وحدت از نظر زمان و مکان .

در این آیه به سراغ یک بحث اصولی و کلی و جامع در مورد پیدایش

ص: ۵۶

دین و مذهب و اهداف و مراحل هفتگانه آن می رود .

نخست می فرماید: «انسان ها (در آغاز) همه امت واحدی بودند»

(۶۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

(كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً).

و در آن روز تضادی در میان آن ها وجود نداشت ، زندگی بشر و اجتماع او ساده بود ، فطرت ها دست نخورده و انگیزه های هوی و هوس و اختلاف و کشمکش در میان آن ها ناچیز بود ، خدا را طبق فرمان فطرت می پرستیدند و وظایف ساده خود را در پیشگاه او انجام می دادند (این مرحله اول زندگانی انسان ها بود) که احتمالاً فاصله میان زمان آدم و نوح را پر می کرد.

سپس زندگی انسان ها شکل اجتماعی به خود گرفت و می باید هم چنین شود ، زیرا انسان برای تکامل آفریده شده و تکامل او تنها در دل اجتماع تأمین می گردد (و این مرحله دوّم زندگی انسان ها بود) .

ص: ۵۷

ولی به هنگام ظهور اجتماع ، اختلاف ها و تضادها به وجود آمد ، چه از

راه وصول به وحدت (۶۷)

نظر ایمان و عقیده و چه از نظر عمل و تعیین حقّ و حقوق هر کس و هر گروه در اجتماع و در این جا بشر تشنه قوانین و تعلیمات انبیاء و هدایت های آن ها می گردد تا به اختلافات او در جنبه های مختلف پایان دهد (این مرحله سوّم بود).

« در این جا خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت دهند و انداز کنند » (فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ) (و این مرحله چهارم بود) .

در این هنگام انسان ها با هشدارهای انبیاء و توجه به مبدأ و معاد و جهان دیگر که در آن جا پاداش و کیفر اعمال خویش را درمی یابند ، برای گرفتن احکام الهی و قوانین صحیح که بتواند به اختلافات پایان دهد و سلامت جامعه و سلامت انسان ها را تأمین کند ، آمادگی پیدا کردند و لذا می فرماید : « خداوند با آن ها کتاب آسمانی به حقّ نازل کرد تا در میان مردم در آن چه اختلاف داشتند ،

ص: ۵۸

(۶۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

حکومت کند» (وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ) .

و به این ترتیب ایمان به انبیاء و تمسک به تعلیمات آن ها و کتب آسمانی، آبی بر آتش اختلافات فروریخت و آن را خاموش ساخت (و این مرحله پنجم بود) .

این وضع مدّتی ادامه یافت ولی کم کم وسوسه های شیطانی و امواج خروشان هوای نفس ، کار خود را در میان گروهی کرد و با تفسیرهای نادرست تعلیمات انبیاء و کتب آسمانی و تطبیق آن ها بر خواسته های دلشان ، پرچم اختلاف را بار دیگر برافراشتند ولی این اختلاف با اختلافات پیشین فرق داشت ، سرچشمه اختلافات پیشین ، جهل و بی خبری بود که با بعثت انبیاء و نزول کتب آسمانی برطرف گردید ، در حالی که سرچشمه اختلافات بعد همان ستمگری و لجاجت و انحراف آگاهانه از راه حقّ و در یک کلمه « بَغْيُ » بود و لذا در ادامه این

راه وصول به وحدت (۶۹)

آیه می فرماید : « در آن اختلاف نکردند ، مگر کسانی که کتاب آسمانی را دریافت

ص: ۵۹

داشته بودند و بینات و نشانه های روشن به آن ها رسیده بود ، آری آن ها به خاطر انحراف از حقّ و ستمگری در آن اختلاف کردند « (وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ) (و این مرحله ششم بود) .

در این جا مردم به دو گروه تقسیم شدند ؛ مؤمنان راستین که در برابر حق تسلیم بودند ، آن ها برای پایان دادن به اختلافات جدید ، به کتب آسمانی و تعلیمات انبیاء بازگشتند و به حقّ رسیدند و لذا می فرماید : « خداوند ، مؤمنان از آن ها را به حقیقت آن چه در آن اختلاف داشتند ، به فرمان خود هدایت فرمود » (در حالی که افراد بی ایمان و ستمگر و خودخواه همچنان در گمراهی و اختلاف باقی ماندند) (فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ)

(۷۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

(و این مرحله هفتم بود) .

و در پایان آیه می فرماید: «خداوند هر که را بخواهد (و لایق ببیند) ، به

راه مستقیم هدایت می کند» (وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ).

اشاره به این که مشیت الهی که آمیخته با حکمت او است، گزاف و بی حساب نیست و از هر گونه تبعیض ناروا برکنار است.

تمام کسانی که دارای نیت پاک و روح تسلیم در برابر حقّند، مشمول هدایت های او می شوند، اشتباهات عقیدتی آن ها اصلاح می گردد و از روشن بینی های مخصوصی برخوردار می شوند، بر توفیق آنان برای یافتن راه راست می افزاید و آن ها را از اختلافات و مشاجرات دنیاپرستان بی ایمان برکنار می دارد و آرامش روح و اطمینان خاطر و سلامت جسم و جان به آن ها می بخشد. (۱)

راه وصول به وحدت (۷۱)

«بنابراین تمسک به رهنمود واحد پیامبران الهی و کنار گذاشتن روحیه

ص: ۶۱

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۶۰ تا ۲۶۶

فرصت طلبی و زیاده خواهی تنها راه وصول به وحدت اسلامی است» .

دعوت به سوی وحدت

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

بگو: ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که

(۷۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرید، هرگاه (از این دعوت) سر باز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم. (۶۴ / آل عمران)

در واقع قرآن با این طرز استدلال به ما می آموزد، اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدس باشما همکاری کنند، بکوشید لاقلاً در اهداف مهم مشترک،

ص: ۶۲

همکاری آن‌ها را جلب کنید و آن را پایه‌ای برای پیش برد اهداف مقدّستان قرار دهید .

آیه فوق یک ندای وحدت در برابر تمام مذاهب آسمانی است، به مسیحیان می‌گوید : شما مدّعی « توحید » هستید و حتّی می‌گویید : مسأله « تثلیث » (اعتقاد به خدایان سه گانه) منافاتی با توحید ندارد و لذا قائل به وحدت در تثلیث می‌باشید .

دعوت به سوی وحدت (۷۳)

و همچنین یهود در عین سخنان شرک آمیز، «عُزَّیر» را فرزند خدا پنداشتند، مدّعی توحید بوده و هستند.

قرآن به همه آن‌ها اعلام می‌کند : ما و شما در اصل توحید مشترک هستیم ، بیایید دست به دست هم داده، این اصل مشترک را بدون هیچ پیرایه‌ای زنده کنیم و از تفسیرهای نابه‌جا که نتیجه آن، شرک و دوری از توحید خالص است ،

ص: ۶۳

دعوت به سوی اتحاد

(۷۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت) چنگ زنی و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادرشدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد، این

ص: ۶۴

چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد ، شاید پذیرای هدایت شوید. (۱۰۳ / آل عمران)

درباره این که منظور از « بِحَبْلِ اللَّهِ » (ریسمان الهی) چیست ؟ باید گفت: منظور

دعوت به سوی وحدت (۷۵)

از هر گونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند است، خواه این وسیله ، اسلام باشد ، یا پیامبر و اهل بیت او. نکته جالب این که تعبیر از این امور به «حَبْلُ اللَّهِ» در واقع اشاره به یک حقیقت است ، که انسان در شرایط عادی و بدون داشتن مربّی و راهنما ، در قعر درّه طبیعت و چاه تاریک غرایز سرکش و جهل و نادانی باقی خواهد ماند و برای نجات از این درّه و برآمدن از این چاه نیاز به رشته و ریسمان محکمی دارد که به آن چنگ بزنند و بیرون آید ، این رشته محکم همان ارتباط با خدا از طریق قرآن و آورنده قرآن و جانشینان واقعی او می باشد ، که مردم را از سطوح پایین و پست بالا برده و به آسمان تکامل معنوی و مادی می رسانند .

ص: ۶۵

سپس قرآن به نعمت بزرگ اتحاد و برادری اشاره کرده و مسلمانان را به تفکر در وضع اندوهبار گذشته و مقایسه آن « پراکندگی » با این « وحدت » دعوت

(۷۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

می کند و می گوید: « فراموش نکنید که در گذشته چگونه با هم دشمن بودید ولی خداوند در پرتو اسلام و ایمان دل های شما را به هم مربوط ساخت و شما دشمنان دیروز، برادران امروز شدید: وَ اذْكُرُوا لِلّٰهِ عَلَیْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِكُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا .

جالب توجه این که کلمه « نعمت » را دوبار در این جمله تکرار کرده و به این طریق اهمیت موهبت اتفاق و برادری را گوشزد می کند .

نکته دیگر این که مسأله تألیف قلوب مؤمنان را به خود نسبت داده ، می گوید: «خدا در میان دل های شما الفت ایجاد» و با این تعبیر ، اشاره به یک معجزه اجتماعی اسلام شده ، زیرا اگر سابقه دشمنی و عداوت پیشین عرب را درست دقت کنیم که

ص: ۶۶

چگونه کینه های ریشه دار در طول سال های متمادی در دل های آن ها انباشته

دعوت به سوی وحدت (۷۷)

شده بود و چگونه یک موضوع جزئی و ساده کافی بود آتش جنگ خونینی در میان آن ها بیفروزد مخصوصاً با توجه به این که مردم نادان و بی سواد و نیمه وحشی معمولاً افرادی لجوج و انعطاف ناپذیرند و به آسانی حاضر به فراموش کردن کوچک ترین مسایل گذشته نیستند، در این صورت اهمیت این « معجزه بزرگ اجتماعی » اسلام آشکار می شود و ثابت می گردد که از طرق عادی و معمولی امکان پذیر نبود که در طی چند سال، از چنان ملت پراکنده و کینه توز و نادان و بی خبر، ملتی واحد و متحد و برادر بسازند.

سپس قرآن می گوید: « شما در گذشته در لبه گودالی از آتش بودید که هر آن ممکن بود در آن سقوط کنید و همه چیز شما خاکستر گردد » اما خداوند شما را نجات داد و از این پرتگاه به نقطه امن و امانی که همان نقطه برادری و محبت

ص: ۶۷

بود رهنمون ساخت : (وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا) .

منظور از « نار » کنایه از جنگ ها و نزاع هایی بوده که هر لحظه در دوران جاهلیت به بهانه ای در میان اعراب شعله ور می شد ، قرآن مجید با این جمله اوضاع خطرناک عصر جاهلیت را منعکس می سازد ، که هر لحظه خطر جنگ و خونریزی آن ها را تهدید می کرد و خداوند در پرتو نور اسلام آن ها را از آن وضع نجات داد و مسلماً با نجات یافتن از وضع خطرناک گذشته از آتش سوزان دوزخ نیز نجات یافتند . (۱)

ص: ۶۸

دعوت به سوی وحدت (۷۹)

(۸۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

عذاب عظیم در انتظار اختلاف گرایان

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آن ها عذاب عظیمی دارند. (۱۰۵ / آل عمران)

نتیجه فوری اختلاف و نفاق ذلت و خواری است و سیر ذلت و خواری هر ملت را در اختلاف و نفاق آنان باید جستجو کرد، جامعه ای که اساس قدرت و ارکان همبستگی های آن با تیشه های تفرقه درهم کوبیده شود، سرزمین آنان برای همیشه جولانگاه بیگانگان و قلمرو حکومت استعمارگران خواهد بود،

عذاب عظیم در انتظار اختلاف گرایان (۸۱)

راستی چه عذاب بزرگی است .

ص: ۶۹

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

(آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می گردد، اما آن ها که صورت هایشان سیاه شده ، (به آن ها گفته می شود :) آیا بعد از ایمان ، (و اخوت و برادری در سایه آن ،) کافر شدید ؟ پس بچشید عذاب را ، به سبب آن چه کفر می ورزیدید. (۱۰۶ / آل عمران)

همان طور که ایمان و اتحاد در این جهان مایه روسفیدی است و به عکس ، ملت پراکنده و بی ایمان مردمی روسیاهند ، در جهان دیگر این روسیاهی و روسفیدی « مجازی » دنیا ، شکل « حقیقی » به خود می گیرد و صاحبان آن ها با چهره های

ص: ۷۰

(۸۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

سفید و درخشان و یا سیاه و تاریک محشور می گردند (۱)

بازگشت به قرآن عامل وحدت است

وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای این که آن چه را در آن اختلاف دارند برای آن ها تبیین کنی و مایه رحمت است برای گروهی که ایمان دارند. (۶۴ / نحل)

قرآن وسوسه های شیطان را از دل آن ها می زداید ، پرده های فریبنده نفس اماره و شیطان صفتان را از چهره حقایق کنار می زند ، خرافات و جنایاتی که در

بازگشت به قرآن عامل وحدت است (۸۳)

زیر ماسک های فریبنده پنهان شده آشکار می سازد ، اختلافاتی را که در سایه هوی و هوس پدید آمده برمی چیند ، به قساوت ها پایان می دهد و نور هدایت و

ص: ۷۱

رحمت را در همه جا می باشد. (۱)

تخریب نمادهای تفرقه

وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

(۸۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

(گروهی دیگر از منافقین) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود ، آن ها سوگند یاد می کنند که نظری جز نیکی (و خدمت) نداشته ایم ، اما خداوند گواهی می دهد که

ص: ۷۲

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۴، ص ۲۲۳ تا ۲۲۴ .

آن‌ها دروغگو هستند. (۱۰۷ / توبه)

آیه درباره گروهی دیگر از منافقان است که برای تحقق بخشیدن به نقشه‌های شوم خود اقدام به ساختن مسجدی در مدینه کردند که بعداً به نام «مسجد ضرار» معروف شد.

خلاصه جریان به طوری که از تفاسیر و احادیث مختلف استفاده می‌شود، چنین است؛ گروهی از منافقان نزد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آمدند و عرض کردند: به ما اجازه ده مسجدی در میان قبیله بنی سالم (نزدیک مسجد قبا) بسازیم تا افراد

تخریب نمادهای تفرقه (۸۵)

ناتوان و بیمار و پیرمردان از کار افتاده در آن نماز بگذارند و همچنین در شب‌های بارانی که گروهی از مردم توانایی آمدن به مسجد شما را ندارند، فریضه اسلامی خود را در آن انجام دهند، و این در موقعی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله عازم جنگ تبوک بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله به آن‌ها اجازه داد، ولی آن‌ها اضافه کردند: آیا ممکن است شخصا بیایید و در آن نماز بگذارید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من فعلاً عازم سفرم

ص: ۷۳

و هنگام بازگشت به خواست خدا به آن مسجد می آیم و در آن نماز می گزارم .

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از تبوک بازگشت ، نزد او آمدند و گفتند : اکنون تقاضا داریم به مسجد ما بیایی و در آن جا نماز بگزاری و از خدا بخواهی ما را برکت دهد و این در حالی بود که هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله وارد دروازه مدینه نشده بود .

در این هنگام پیک وحی خدا نازل شد و آیات فوق را آورد و پرده از اسرار کار

(۸۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

آن ها برداشت و به دنبال آن پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد مسجد مزبور را آتش زنند و بقایای آن را ویران کنند و جای آن را محل ریختن زباله های شهر سازند .

اگر به چهره ظاهری کار این گروه نگاه کنیم ، از چنین دستوری در آغاز دچار حیرت خواهیم شد، مگر ساختن مسجد، آن هم برای حمایت از بیماران و پیران و مواقع اضطراری که درحقیقت هم یک خدمت دینی است و هم یک خدمت انسانی، کار بدی است، که چنین دستوری درباره آن صادر شده است .

اما هنگامی که چهره باطنی مسأله را بررسی کنیم ، خواهیم دید این دستور چه قدر حساب شده بوده است (۱)

تخریب نمادهای تفرقه (۸۷)

بتخانه ای در چهره مسجد

« ضرار » به معنی زیان رساندن تَعْمُدٌ است .

این آیه می گوید : « گروهی دیگر از آن ها مسجدی در مدینه اختیار کردند » که هدف های شومی زیر این نام مقدس نهفته بود (وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا) .

هدف های آن ها برای ساخت مسجد در چهار بند زیر خلاصه می شود ؛

منظور آن ها این بود که با این عمل ضرر و زیانی به مسلمانان برسانند (ضرار) .

ص: ۷۵

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۶۳ تا ۶۵ .

آن‌ها در واقع درست به عکس آن‌چه ادعا داشتند که هدفشان تأمین منافع

(۸۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مسلمانان و کمک به بیماران و از کارافتادگان است، می‌خواستند با این مقدمات پیامبر صلی الله علیه و آله را نابود و مسلمانان را درهم بکوبند و حتی اگر توفیق یابند، نام اسلام را از صفحه جهان براندازند.

تقویت مبانی کفر و بازگشت دادن مردم به وضع قبل از اسلام (وَ كُفُّوا).

ایجاد تفرقه در میان صفوف مسلمانان، زیرا با اجتماع گروهی در این مسجد، مسجد « قبا » که نزدیک آن بود و یا مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که از آن فاصله داشت، از رونق می‌افتاد (وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ).

آخرین هدف آن‌ها این بود که مرکز و کانونی برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود و سوابق سوئش بر همگان روشن بود، بسازند تا از این پایگاه نفاق، برنامه‌های خود را عملی سازند (وَ اِرْصَادًا

ص: ۷۶

لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ .

ولی عجیب این است که تمام این اغراض سوء و اهداف شوم را در يك لباس زیبا و ظاهر فریب پیچیده بودند، «حتی سوگند یاد می کردند که ما جز نیکی، قصد و نظر دیگری نداشتیم» (وَلْيَحْلِفَنَّ أَنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى).

و این است آیین منافقان در هر عصر و زمان که علاوه بر استتار در پرده های ظاهرا زیبا متوسل به انواع سوگندهای دروغین برای منحرف ساختن افکار عمومی می شوند .

ولی قرآن اضافه می کند؛ « خداوندی که از اسرار درون همه آگاه است و غیب و شهود برایش یکسان می باشد ، گواهی می دهد که به طور مسلم آن ها

دروغگو هستند» (وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ). (۱)

(۹۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکنید

مسلمان کسی است که نفاق و منافق را در هر زمان، در هر مکان، و در هر لباس و چهره بشناسد حتی اگر در چهره دین و مذهب و در لباس طرفداری از قرآن و مسجد بوده باشد.

استفاده از «مذهب برضد مذهب» چیز تازه ای نیست، همواره راه و رسم استعمارگران و دستگاه های جبار و منافقان در هر اجتماعی این بوده که اگر مردم گرایش خاصی به مطلبی دارند، از همان گرایش برای اغفال و سپس

تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکنید (۹۱)

استعمار آن ها استفاده کنند و حتی از نیروی مذهب برضد مذهب کمک بگیرند.

ص: ۷۸

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۶۹ تا ۷۱.

اصولاً فلسفه ساختن پیامبران قلابی و مذاهب باطل همین بوده که از این راه گرایش های مذهبی مردم را در مسیر دلخواهشان بیندازند .

بدیهی است در محیطی مانند « مدینه » آن هم در عصر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با آن نفوذ فوق العاده اسلام و قرآن ، مبارزه آشکار بر ضد اسلام ممکن نبود ، بلکه باید لامذهبی را در لفافه مذهب و باطل را در لباس حق بیچند و عرضه کنند تا مردم ساده دل جذب شوند و نیات سوء آن ها لباس عمل به خود بپوشد. ولی مسلمان راستین کسی نیست که آن چنان سطحی باشد که فریب این گونه ظواهر را بخورد ، باید با دقت در عوامل و دست هایی که برای این گونه برنامه ها شروع به کار می کند و بررسی قرائن دیگر به ماهیت اصلی پی برد

(۹۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

و چهره باطنی افراد را در پشت چهره ظاهری ببیند .

مسلمان کسی نیست که هر ندایی از هر حلقومی برخاست ، همین اندازه که

ص: ۷۹

ظاهرا حق به جانب باشد، بپذیرد و به آن لبیک گوید، مسلمان کسی نیست که هر دستی به سویش دراز شد، آن را بفشارد و هر حرکت ظاهرا دینی را مشاهده کرد، با آن همگام شود و هر کسی پرچمی به نام مذهب برافراشت، پای آن سینه زند و هربنایی به نام مذهب ساخته شد، به سوی آن جذب گردد.

مسلمان باید هوشیار، آگاه، واقع بین، آینده نگر و اهل تجزیه و تحلیل در همه مسائل اجتماعی باشد.

دیوان را در لباس فرشته بشناسد، گرگ ها را در لباس چوپان تشخیص دهد و خود را برای مبارزه با این دشمنان ظاهرا

تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکنید (۹۳)

دوست آماده سازد.

یک اصل اساسی در اسلام این است که باید قبل از همه چیز نیت بررسی شود و ارزش هر عملی بستگی به نیت آن دارد نه به ظاهر آن، گرچه نیت یک امر باطنی

ص: ۸۰

است اما ممکن نیست کسی نیتی در دل داشته باشد، اثر آن در گوشه و کنار عملش ظاهر نشود، هر چند در پرده پوشی فوق العاده استاد و ماهر باشد.

از این جا جواب این سؤال روشن می شود که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله با آن عظمت مقام دستور داد مسجد یعنی خانه خدا را آتش بزنند و مسجدی که یک ریگ آن را نمی توان بیرون برد ، ویران سازند و مکانی را که اگر آلوده شود ، باید فوراً تطهیر کنند ، مزبله گاه شهر سازند .

پاسخ همه این سؤال ها یک مطلب است و آن این که مسجد ضرار ، مسجد

(۹۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

نبود ، درواقع بتخانه بود ، مکان مقدس نبود ، «کانون تفرقه و نفاق بود» ، خانه خدا نبود بلکه خانه شیطان بود و هرگز اسم و عنوان ظاهری و ماسک ها ، واقعیت چیزی را دگرگون نمی سازد .

این درس بزرگی بود که داستان مسجد ضرار به همه مسلمانان برای

همه اعصار و قرون داد .

از این بحث این موضوع نیز روشن می شود که اهمیت اتحاد در میان صفوف مسلمین در نظر اسلام به قدری زیاد است که حتی اگر ساختن مسجدی در کنار مسجد دیگر باعث ایجاد تفرقه و اختلاف و شکاف در میان صفوف مسلمانان گردد ، آن مسجد تفرقه انداز نامقدس است (۱).

تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکنید (۹۵)

تفرقه هم ردیف عذاب های آسمانی

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَيَّا أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَ كُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَ كُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ

بگو او قادر است که عذابی از طرف فوق یا از زیر پای شما بر شما بفرستد یا

ص: ۸۲

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۷۷ تا ۸۰.

به صورت دسته های پراکنده شما را با هم پیامزد و طعم جنگ (و ناراحتی) را به هریک از شما به وسیله دیگری بچشانند ،
بین چگونه آیات گوناگون را برای آن ها بازگو می کنیم شاید بفهمند (و بازگردند). (۶۵ / انعام)

مسئله اختلاف کلمه و پراکندگی در میان مردم به قدری خطرناک است که در

(۹۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

ردیف عذاب های آسمانی و صاعقه ها و زلزله ها قرار گرفته است و راستی چنین است ، بلکه گاهی ویرانی های ناشی از
اختلاف و پراکندگی به درجات بیشتر از ویرانی های ناشی از صاعقه ها و زلزله ها است ، کرارا دیده شده است کشورهای
آباد در سایه شوم نفاق و تفرقه به نابودی مطلق کشیده شده است و این جمله هشدار است به همه مسلمانان جهان .

این که آیه مورد بحث می گوید : خداوند تفرقه در میان شما بیفکند نه به این معنی است که خداوند بی جهت مردم را گرفتار
نفاق و اختلاف می کند بلکه این

ص: ۸۳

نتیجه اعمال سوء مردم و خودخواهی ها و خودپرستی ها و سودجویی های شخصی است که نتیجه آن به صورت نفاق و تفرقه بروز می کند و نسبت دادن آن به خدا به خاطر آن است که او چنین اثری را در این

تفرقه هم ردیف عذابهای آسمانی (۹۷)

اعمال زشت قرار داده است. (۱)

تفرقه نشانه شرک است

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن ، این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش خدا نیست، این است

ص: ۸۴

دین و آیین محکم و استوار ، ولی اکثر مردم نمی دانند .

(۹۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقَوْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

این باید در حالی باشد که شما بازگشت به سوی او کنید و از او بپرهیزید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید .

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا كُلُّ جَزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروه ها تقسیم شدند و (عجیب این که) هر گروهی به آن چه نزد آن ها است ، (دلبسته و) خوشحالند. (۳۰ تا ۳۱ / روم)

«یکی از نشانه های شرک ، پراکندگی و تفرقه است ، چراکه معبودهای مختلف منشأ روش های متفاوت و سرچشمه جدایی ها و پراکندگی ها است» ، به خصوص این که شرک همواره توأم با هوای نفس و تعصب و کبر و خودخواهی و

ص: ۸۵

تفرقه نشانه شرک است (۹۹)

خودپسندی و مولود آن است ، لذا اتحاد و وحدت جز در سایه خداپرستی و عقل و تواضع و ایثار امکان پذیر نیست .

بنابراین هر جا اختلاف و پراکندگی دیدیم ، باید بدانیم نوعی شرک حاکم است ، این موضوع را به صورت نتیجه می توان بازگو کرد که نتیجه شرک ، جدایی صفوف ، تضاد ، هدر رفتن نیروها و سرانجام ضعف و زبونی و ناتوانی است .(۱)

وحدت ثمره توحید است

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

(۱۰۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

همه شما امت واحدی هستید و من پروردگار شما هستم ، از مخالفت فرمان من بپرهیزید. (۵۲ / مؤمنون)

ص: ۸۶

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۰۴، ص ۳۰ تا ۱۰۹ .

آیه فوق به وحدت و یگانگی جامعه انسانی و حذف هرگونه تبعیض و جدایی دعوت می کند، همان گونه که او پروردگار واحد است، انسان ها نیز امت واحد هستند .

به همین دلیل مردم از یک برنامه پیروی کنند، همان گونه که پیامبرانشان نیز به آیین واحدی دعوت می کردند که اصول و اساس آن همه جا یکی بود؛ توحید و شناسایی حق، توجه به معاد و زندگی تکاملی بشر و استفاده از طیبات و انجام اعمال صالح، و حمایت از عدالت و اصول انسانی .

اَثَارِهِمْ مُّقْتَدُونَ : ما پدران خود را بر مذهبی یافتیم و از آن ها پیروی

وحدت ثمره توحید است (۱۰۱)

می کنیم « (۲۳ / زخرف) .

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

اما آن ها کارهای خود را به پراکندگی کشاندند و هر گروهی به راهی رفتند (و

عجب این که (هر گروه به آن چه نزد خود دارند، خوشحالند. (۵۳ / مؤمنون) (۱).

اختلاف در این جا عبارت است از تکه پاره شدن یک جامعه یا پیروان یک دین به طوری که در آن جامعه، احزاب پیدا بشوند. تحزب، یا حزب بازی، این است که جمعیتی تا پای جان در برابر هدف و مرامی که دارد ایستاده و از آن دفاع کند. یک حزب دیگر هم، همین جور، بنابراین در این آیه آن نوع از اختلاف را مذمت می کند،

(۱۰۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

که باعث تقطع، تکه پاره شدن امت و حزب، حزب شدن آنان باشد، و هر حزبی به مرام خود و آنچه نزدش محترم است، شاد باشد و سرمست، یعنی هر $\text{ش} \dots \text{ش}$ خودشان را حق بدانند، به آنان مباهات کنند، و فکر دیگران را مردود شمارند: «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» .

ص: ۸۸

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۸، ص ۶۳ تا ۶۴ .

پس در این جا اختلافی که مذمت شده، در قبال وحدت، عبارت است از: تقطع، تکه پاره شدن و حزب، حزب شدن. این اختلاف را قرآن منع کرده و حرام دانسته است. در حقیقت این اختلاف، مرضی است که دامن گیر مسلمانان شده و باید آن را معالجه کرد، تا مسلمان ها از «تحزب و تقطع» نجات یابند. (۱)

وحدت ثمره توحید است (۱۰۳)

اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه

قَالَ يَا هَرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

گفت: ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آن ها گمراه شدند .

أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي

از من پیروی نکردی؟ آیا فرمان مرا عصیان نمودی .

ص: ۸۹

۱- ندای وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ص ۶۵.

منظور از جمله « أَلَا تَتَّبِعِينَ » این است که چرا از روش و سنت من در شدت عمل نسبت به بت پرستی پیروی نکردی .

قَالَ يَا بَنِيَّ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ

(۱۰۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

گفت: ای فرزند مادرم، ریش و سر مرا مگیر، من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا به کار نبستی. (۹۲ تا ۹۳ / طه)

موسی با شدت و عصبانیت هرچه تمام تر این سخنان را با برادرش می گفت و بر او فریاد می زد، در حالی که ریش و سر او را گرفته بود و می کشید .

هارون که ناراحتی شدید برادر را دید، برای این که او را بر سر لطف آورد و از التهاب او بکاهد و ضمناً عذر موجه خویش را در این ماجرا بیان کند، گفت: « فرزند مادرم! ریش و سر مرا مگیر، من فکر کردم که اگر به مبارزه برخیزم و

ص: ۹۰

درگیری پیدا کنم ، تفرقه شدیدی در میان بنی اسرائیل می افتد و از این ترسیدم که تو به هنگام بازگشت بگویی چرا در میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و سفارش مرا در

اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه (۱۰۵)

غیاب من به کار نبستی « (۱).

زشتی تفرقه و نفاق

إِنَّ الَّذِينَ فَزَعُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شَيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و به دستجات گوناگون (ومذاهب مختلف) تقسیم شدند ، هیچ گونه ارتباطی با آن هانداری ، کار آن ها واگذار به خدا است ، پس خدا آن ها را از آن چه انجام می دادند ، باخبر می کند. (۱۵۹ / انعام)

ص: ۹۱

محتوای آیه یک حکم عمومی و همگانی درباره تمام افراد تفرقه انداز است که با ایجاد انواع بدعت ها میان بندگان خدا ، بذر نفاق و اختلاف می پاشند ، اعم از آن ها که در امت های پیشین بودند یا آن ها که در این امت هستند .

این آیه بار دیگر این حقیقت را که اسلام ، آیین وحدت و یگانگی است و از هرگونه نفاق و تفرقه و پراکندگی بیزار است ، با تأکید تمام بازگو می کند و به پیامبر می گوید : برنامه و کار تو هیچ گونه شباهتی با افراد تفرقه انداز ندارد ، خداوند منتقم قهار از آنان انتقام خواهد گرفت و عاقبت شوم اعمالشان را به آن ها نشان می دهد . توحید نه تنها یکی از اصول اسلام است ، بلکه تمام اصول و فروع اسلام و همه برنامه های آن بر محور توحید دور می زند ، توحید روحی است در کالبد همه تعلیمات اسلام ، توحید جانی است که در پیکر اسلام دمیده شده است .

زشتی تفرقه و نفاق (۱۰۷)

اما با نهایت تأسف آیینی که سر تا پای آن را وحدت و یگانگی تشکیل می دهد ،

امروز آن چنان دستخوش تفرقه نفاق افکنان شده است که چهره اصلی خود را به کلی از دست داده ، هر روز نغمه شومی همانند صدای جغدی که در ویرانه می خواند ، از گوشه ای بلند می شود و شخصی ماجراجو یا مبتلا به بیماری روانی و یا کج سلیقه ای پرچم مخالفت با یکی از برنامه های اسلامی بلند می کند و جمعی از افراد ابله و نادان را گرد خود جمع می نماید و منشأ اختلاف تازه ای می شود . نقش بی اطلاعی و جهل و نادانی جمعی از توده مردم در این نفاق افکنی، مانند نقش بیداری و آگاهی دشمنان، بسیار مؤثر است . گاهی مسائلی را که قرن ها موضوع بحث آن گذشته است ، از نو عَلم می کنند و جار و جنجال ابلهانه ای پیرامون آن راه می اندازند تا افکار

(۱۰۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مردم را به خود مشغول سازند ، اما همان طور که آیه فوق می گوید ، اسلام

ص: ۹۳

از آن‌ها بیگانه است و آن‌ها نیز از اسلام بیگانه اند و سرانجام برنامه‌های نفاق افکنی شکست خواهد خورد. (۱)

(۲)

رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَتَزَعَّوْا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ...

و اطاعت (فرمان) خدا و پیامبرش نمایند و نزاع (و کشمکش) نکنید تا

رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی (۱۰۹)

سست نشوند و قدرت (و شوکت و هیبت) شما از میان نرود... (۴۶ / انفال)

یکی دیگر از مهم‌ترین برنامه‌های مبارزه توجّه به مسأله رهبری و اطاعت از دستور پیشوا و رهبر است همان دستوری که اگر انجام نمی‌گرفت جنگ بدر به

ص: ۹۴

۱- شرح بیشتر در «تفسیر نمونه»، جلد ۳، صفحه ۴۲ و ۴۳ آمده است.

۲- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۸، ص ۱۲۹ تا ۱۳۲.

شکست کامل مسلمانان منتهی می شد ، لذا در آیه بعد می گوید : « و اطاعت خدا و پیامبرش کنید » (وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ) .

« و از پراکندگی و نزاع بپرهیزید » (وَلَا تَنَزَعُوا) .

« زیرا کشمکش و نزاع و اختلاف مجاهدان در برابر دشمن نخستین اثرش سستی و ناتوانی و ضعف در مبارزه است » (فَتَفَشَلُوا) .

« و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوت و هیبت و عظمت شماست » (وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ) .

(۱۱۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

« ریح » به معنی باد است و این که می گوید : اگر به نزاع با یکدیگر برخیزید سستی می شوید و به دنبال آن باد شما را از میان خواهد برد اشاره لطیفی به این معنی است که قوت و عظمت و جریان امور بر وفق مراد و مقصودتان از میان خواهد رفت زیرا همیشه وزش بادهای موافق سبب حرکت کشتی ها به سوی

ص: ۹۵

منزل مقصود بوده است و در آن زمان که تنهانیروی محرک کشتی وزش باد بود این مطلب فوق العاده اهمیت داشت.

به علاوه وزش باد به پرچم ها نشانه برپا بودن پرچم که رمز قدرت و حکومت است می باشد و تعبیر فوق کنایه ای از این معنی است. (۱).

رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی (۱۱۱)

مذهب عامل وحدت است

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِّتَ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ

آن ها پراکنده نشدند مگر بعد از علم و آگاهی و این تفرقه جویی به خاطر انحراف از حق بود (و عداوت و حسد) و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر

ص: ۹۶

نشده بود که آن هاتا سرآمد معینی زنده و آزاد باشند، خداوند در میان آن ها داوری می کرد و کسانی که بعد از آن ها وارثان کتاب شدند از آن در شك و تردیدند ، شکی توأم بابدیینی و سوء ظن. (۱۴ / شوری)

(۱۱۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

این آیه به پاسخ این سؤال پرداخته ، سرچشمه اصلی اختلافات دینی را بیان می کند .

سرچشمه اختلاف های مذهبی جهل و بی خبری نبود ، بلکه بغی و ظلم و انحراف از حق و اعمال نظرهای شخصی بود .

« دانشمندان دنیاطلب » و « عوام های متعصب و کینه توز » دست به دست هم دادند و این اختلافات را بنیان نهادند .

این آیه پاسخ روشنی است به آن ها که می گویند مذهب در میان بشر ایجاد اختلاف کرده و خونریزی های فراوانی در طول تاریخ بار آورده است ،

ص: ۹۷

زیرا اگر دقت شود، مذهب همیشه عامل وحدت و یکپارچگی در محیط خود بوده (همان گونه که در مورد اسلام و قبایل حجاز و حتی

مذهب عامل وحدت است (۱۱۳)

اقوام خارج از جزیره عرب تحقق یافت و به اختلافات پایان و امت واحدی ساخت). ولی سیاست های استعماری در میان مردم تفرقه ایجاد کرد، به اختلافات دامن زده و مایه خونریزی ها شده است. افزودن سلیقه های شخصی و تحمیل آن بر مذاهب آسمانی خود یک عامل بزرگ دیگر تفرقه بود که آن هم از «بغی» مایه می گرفت (۱)

ص: ۹۸

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۲۵، ص ۶۳ تا ۶۵.

تفرقه عامل شکست ملت هاست

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

ما بنی اسرائیل را کتاب آسمانی و حکومت و نبوت بخشیدیم و از روزی های پاک به آن ها عطا کردیم و آن ها را بر جهانیان (و مردم عصر خویش) برتری بخشیدیم. (۱۶ / جاثیه)

وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

و دلایل روشنی از امر نبوت و شریعت در اختیار آن ها قرار دادیم، آن ها اختلاف نکردند، مگر بعد از علم و آگاهی، و این اختلاف به خاطر ستم و

تفرقه عامل شکست ملت هاست (۱۱۵)

برتری جویی بود، اما پروردگارت روز قیامت در میان آن ها در آن چه اختلاف

داشتند ، داوری می کند . (۱۶ و ۱۷ / جاثیه)

با وجود این مواهب بزرگ و دلایل بین و روشن ، جایی برای اختلاف وجود نداشت ، ولی این کفران کنندگان به زودی دست به اختلاف زدند .

آن ها پرچم طغیان برافراشتند و هرگروهی به جان گروه دیگری افتاد ، حتی عوامل وحدت و انسجام را وسیله اختلاف و تفرقه قرار دادند و به دنبال آن قدرتشان به ضعف گرایید ، ستاره عظمتشان اُفول کرد ، حکومتشان متلاشی شد و دردنیادربه در شدند . (۱)

ص: ۱۰۰

۱- تفسیر جوان ، محمد بیستونی ، چاپ اول ، ج ۲۵ ، ص ۳۷۴ تا ۳۷۷ .

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی

« وَ مَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَ نُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا »

«و هر کس بعد از آنکه حق برایش روشن شد مخالفت رسول کند و روشی غیر راه مؤمنین اتخاذ نماید، وی را به همان وضعی که دوست دارد واگذاریم و به جهنم در آریم که چه بد سرانجامی است!» (۱۱۵ / نساء)

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی (۱۱۷)

«خدا به هیچ وجه نمی بخشد که به او شرک آورند، و گناهان کوچکتر از آن را از هر کس بخواهد می بخشد و هر که به خدا شرک بورزد به گمراهی افتاده است.» (۱۱۶ / نساء)

مشاقه کردن با رسول خدا، آن هم بعد از آن که راه هدایت روشن و مشخص شده معنائی جز مخالفت کردن با رسول، و از اطاعتش سرپیچی کردن ندارد. چون اطاعت رسول، اطاعت خدای تعالی است «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء / ۸۰)

پس سبیل مؤمنین بدان جهت که بر ایمان به خدا اجتماع کرده جامعه ای تشکیل می دهد، همان اجتماع بر اطاعت خدا و رسول است. راه مؤمنین عبارت است از اجتماع بر اطاعت رسول. چون حافظ وحدت سبیل مؤمنین

(۱۱۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

همان اطاعت رسول است.

و وقتی به حکم آیات راه خدا عبارت است از راه تقوا و مؤمنین عبارتند از کسانی که به سوی این راه دعوت شده اند، در نتیجه سبیل این مؤمنین در حالی که اجتماعی تشکیل داده اند عبارت است از سبیل تعاون بر تقوا

ص: ۱۰۲

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (۲ / مائده)

این آیه بطوری که ملاحظه می کنید از معصیت خدای تعالی و شق عصای اجتماعی اسلام و یا به عبارتی ایجاد تفرقه در آن را نهی می کند.

بااین افراد دو نوع معامله می شود: «نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى»، و «نُصِّبْ لَهُ جَهَنَّمَ»، و نیز دلالت دارد بر اینکه هر دو معامله یکی است، یک امر الهی است که قسمتی از آن که قسمت آغاز آن باشد در دنیا جریان می یابد و آن مسأله

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی (۱۱۹)

«تَوَلَّيْتَ مَا تَوَلَّى» است و قسمت دیگرش در آخرت بروز می کند و آن مسأله «اضْيَاءِ در جهنم» است، که بد بازگشت گاهی است .

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ...» این آیه دلالت می کند بر اینکه مشاقه و دشمنی با رسول، شرک به خدای عظیم است، و اینکه خدای تعالی این گناه را که به وی شرک بورزند نمی آمرزد، و ای بسا این معنا از آیات شریفه زیر نیز

ص: ۱۰۳

استفاده شود که می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ شَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيُحِيطُ أَعْمَالَهُمْ» (۳۲ / محمد)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» (۳۳ / محمد) «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ

(۱۲۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» (۳۴/محمد)

چون ظاهر آیه سوم این است که می خواهد مضمون آیه دوم که به اطاعت خدا و اطاعت کردن از رسول امر می کند را تعلیل کند، در نتیجه بفهماند که خروج از اطاعت خدا و طاعت رسول او، کفری است که هرگز آمرزیده نمی شود، و این را هم به حکم آیاتی دیگر می دانیم که کفری که هرگز آمرزیده نمی شود شرک به خدا است.

ص: ۱۰۴

الحاق جمله « وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ » به جمله « إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ » به این منظور بوده که بیان را تکمیل کند و عظمت این مصیبت شوم یعنی مشاقه و دشمنی با رسول را بفهماند!! (۱)

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی (۱۲۱)

دستور دخول در سلم جمعی

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ »

«ای کسانی که ایمان آورده اید بدون هیچ اختلافی همگی تسلیم خدا شوید و زنهار گامهای شیطان را پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است،» (۲۰۸ / بقره)

ص: ۱۰۵

۱- المیزان ج: ۵ ص: ۱۳۱ .

«فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

«پس اگر بعد از این همه آیات روشن که برایتان آمد داخل در سلم نگردید و

(۱۲۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

باز هم پیروی گامهای شیطان کنید بدانید که خدا غالبی شکست ناپذیر و حکیمی است که هر حکمی در باره شما براند به مقتضای حکمت می راند.» (۲۰۹ / بقره)

این آیات راه تحفظ و نگهداری وحدت دینی در جامعه انسانی را بیان می کنند، و آن این است که مسلمانان داخل در سلم شوند، و تنها آن سخنانی که قرآن تجویز کرده بگویند، و آن طریقه عملی را که قرآن نشان داده پیش گیرند، که وحدت دینی از بین نمی رود، و سعادت دو سرای انسان ها رخت نمی بندد، و هلاکت به سراغ هیچ قومی نمی رود مگر به خاطر خارج شدن از سلم، و تصرف در آیات خدا، و جابجا کردن آنها، که در امت بنی اسرائیل و امتهای گذشته دیگر

ص: ۱۰۶

دیده شده، و به زودی نظیر آن هم در این امت جریان خواهد یافت.

ولی خدای تعالی این امت را وعده نصرت داده و فرموده: «أَلَا إِنَّ

دستور دخول در سلم جمعی (۱۲۳)

نَصْرُ اللَّهِ قَرِيبٌ!»

کلمات سلم و اسلام و تسلیم هر سه به یک معنا است و کلمه «كَافَّةً» یعنی همگی، مانند کلمه «جَمِيعًا» تأکید را افاده می کند، و چون خطاب به مؤمنین بود و مؤمنین مأمور شده اند همگی داخل در سلم شوند پس در نتیجه امر در آیه مربوط به همگی و به یک یک افراد جامعه است، هم بر یک یک افراد واجب است و هم بر جمیع که در دین خدا چون و چرا نکنند، و تسلیم امر خدا و رسول او گردند.

و نیز از آنجائی که خطاب به خصوص مؤمنین شده، آن سلمی هم که به

ص: ۱۰۷

سویس دعوت کرده به معنای تسلیم در برابر خدا و رسول شدن است، و امری است متعلق به مجموع امت و به فرد فرد آنان، پس هم بر یک یک

(۱۲۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مؤمنین واجب است و هم بر مجموع آنان.

پس سلمی که بدان دعوت شده اند عبارت شد از تسلیم شدن برای خدا، بعد از ایمان به او.

پس بر مؤمنین واجب است امر را تسلیم خدا کنند، و برای خود صلاح دید و استبداد به رأی قائل نباشند و به غیر آن طریقی که خدا و رسول بیان کرده اند طریقی دیگر اتخاذ نمایند، که هیچ قومی هلاک نشد مگر به خاطر همین که راه خدا را رها کرده، راه هوای نفس را پیمودند، راهی که هیچ دلیلی از ناحیه خدا بر آن نداشتند، و نیز حق حیات و

ص: ۱۰۸

سعادت جدی و حقیقی از هیچ قومی سلب نشد مگر به خاطر این که در اثر پیروی هوای نفس ایجاد اختلاف کردند.

دستور دخول در سلم جمعی (۱۲۵)

از اینجا روشن می گردد که مراد از پیروی خطوات شیطان، پیروی او در تمامی دعوت های او به باطل نیست، بلکه منظور پیروی او است در دعوت هایی که به عنوان دین می کند، و باطلی را که اجنبی از دین است زینت داده و در لفافه زیبای دین می پیچد، و نام دین بر آن می گذارد، و انسان های جاهل هم بدون دلیل آنرا می پذیرند، و علامت شیطانی بودن آن این است که خدا و رسول در ضمن تعالیم دینی خود نامی از آن نبرده باشند.

و از خصوصیات سیاق کلام و قیود آن این معنا نیز استفاده می شود، که خطوات شیطان تنها آن گامهائی از شیطان است، که در طریقه و روش

ص: ۱۰۹

و اگر فرض کنیم که این پیروی کننده مؤمن باشد که طریقه او همان طریقه

(۱۲۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

ایمان است لاجرم طریقه چنین مؤمنی طریقه شیطانی در ایمان است، و وقتی بر هر مؤمنی دخول در سلم واجب باشد، قهرا هر طریقی که بدون سلم طی کند خطوات شیطان و پیروی از آن پیروی از خطوات شیطان خواهد بود.

پس این آیه شریفه نظیر آیه: «یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۱۶۸ و ۱۶۹ / بقره) خواهد بود.

و نیز نظیر آیه: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ

يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (نور / ۲۱)

و باز نظیر آیه: «كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

دستور دخول در سلم جمعی (۱۲۷)

عَدُوٌّ مُبِينٌ» می باشد.

فرق میان این آیات و آیه مورد بحث این است که در آیه مورد بحث به خاطر کلمه «كافَّهُ» دعوت متوجه به جماعت شده و در آیات نامبرده این خصوصیت نیست، پس آیه مورد بحث در معنای آیه: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و آیه: «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام / ۱۵۳) است، که خطاب متوجه جامعه اسلام و مجموعه افراد شده است.

از آیه شریفه بالا استفاده می شود که اسلام تمامی احکام و معارفی را که

ص: ۱۱۱

مورد حاجت بشر است و صلاح مردم را تأمین می کند تکفل کرده است .

«فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ» «زَلَلْتُمْ» به معنای لغزش و اشتباه

(۱۲۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

است و معنای آیه این است که حال که دستور دادیم همگی داخل در سلم شوید، اگر نشدید و به خطا رفتید، با اینکه زلت همان پیروی خطوات شیطان بود پس بدانید که خدا عزیز و مقتدری است که در کارش از هیچ کس شکست نمی خورد، و حکیمی است که در قضائی که درباره شما می راند هرگز از حکمت خارج نمی شود، آنچه حکم می کند بر طبق حکمت است، و بعد از آنکه حکم کرد خودش هم ضامن اجرای آن است اجرا می کند بدون اینکه کسی بتواند از اجرای آن جلوگیری کند. (۱)

ص: ۱۱۲

۱- المیزان ج: ۲ ص: ۱۵۰ .

وحدت از دیدگاه سنت

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ، فَإِذَا اشْتَدَّ الشَّاذُّ مِنْهُمْ اخْتَطَفَهُ الشَّيْطَانُ

(۱۲۹)

كَمَا يَخْتَطِفُ الذُّبُّ الشَّاهَ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ»

دست خدا بر سر جماعت است؛ هرگاه فردی از جماعت جدا شود شیطان او را می رباید؛ همچنان که گرگ گوسفند جدا مانده از رمه را (۱).

معنای جماعت

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَقَدْ سُئِلَ عَنْ تَفْسِيرِ السُّنَّةِ وَالْبِدْعَةِ وَالْجَمَاعَةِ وَالْفِرْقَةِ: السُّنَّةُ وَاللَّهُ سُنَّةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ الْبِدْعَةُ مَا فَارَقَهَا، وَالْجَمَاعَةُ وَاللَّهُ مُجَامَعَةُ أَهْلِ الْحَقِّ وَإِنْ قَلُّوا، وَالْفِرْقَةُ مُجَامَعَةُ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَإِنْ كَثُرُوا»

ص: ۱۱۳

۱- کنز العمال: ۱۰۳۱.

امام علی علیه السلام در پاسخ به پرسش معنای سنت، بدعت، جماعت و تفرقه فرمود: به خدا سوگند سنت همان سنت محمد صلی الله علیه و آله است و بدعت آنچه خلاف آن باشد و به خدا قسم جماعت همدست شدن با اهل حق است هر چند اندک باشند و تفرقه همدستی با اهل باطل است هر چند بسیار باشند. (۱)

پیامدهای اختلاف

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ امتی پس از پیامبر خود گرفتار

معنای جماعت (۱۳۱)

اختلاف نشد مگر آن که باطل گرایان آن بر حق خواهانش پیروز گشتند. (۲)

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَخْتَلِفُوا، فَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ اخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا».

ص: ۱۱۴

۱- کنز العمال .

۲- کنز العمال: ۹۲۹.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با هم اختلاف نکنید ؛ که پیشینیان شما دچار اختلاف شدند و نابود گشتند. (۱)

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ»

با یکدیگر ناسازگاری مکنید که دل‌هایتان ناسازگار و پراکنده می شود. (۲)

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَذْهَبْتُمْ مِنْ عِنْدِي جَمِيعًا وَجِئْتُمْ مُتَفَرِّقِينَ؟! إِنَّمَا

(۱۳۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْفُرْقَةُ»

از نزد من با هم و یکپارچه رفتید و پراکنده برگشتید؟ جز این نیست که پیشینیان شما را، تفرقه و پراکندگی نابود کرد. (۱)

۱ کنز العمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴

ص: ۱۱۵

۱- کنز العمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴.

۲- کنز العمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴.

«احذروا ما نزل بالأمم قبلكم من المثلات بسوء الأفعال و ذميم الأعمال، فتذكروا في الخير و الشر أحوالهم، و احذروا أن تكونوا أمثالهم .

فإذا تفكروا في تفاوت حاليتهم فالزموا كمال أمر لزم العزة به شأنهم (حالهم)، و زاحت الأعداء له عنهم، و مئدت العافية به عليهم، و انقادت النعمة، و وصلت الكرامة عليه حبلمهم: من الاجتناب للفرقه، و اللزوم للألفه، و التحاض عليها، و التواصي بها. و اجتنبوا كل أمر كسر فقرتهم، و أوهن منتهم: من تضاعن القلوب، و تشاحن الصدور،

بيامدهای اختلاف (۱۳۳)

و تدابر النفوس، و تخاذل الأيدي. و تدبروا أحوال الماضين من المؤمنين قبلكم... فانظروا كيف كانوا حيث كانت الأملاء مجتمعه، و الأهواء مؤتلفه (متفقته)، و القلوب معتدله، و الأيدي مترادفه (مترافده)، و السيوف متناصرة، و العزائم واحده. ألم يكونوا أربابا في أقطار الأرضين، و ملوكا على رقاب العالمين؟! فانظروا إلى ما صاروا إليه في آخر أمورهم، حين وقعت الفرقة، و تشتت الألفه، و اختلفت الكلمه و الأفتده،

ص: ۱۱۶

و تَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ، وَ تَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ (مُتَحَارِبِينَ)، قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِيَاسَ كِرَامَتِهِ، وَ سَلَبَهُمْ غُضَارَةَ نِعْمَتِهِ، وَ بَقِيَ قِصْصُ
أَخْبَارِهِمْ فِيكُمْ عِبْرًا لِلْمُعْتَبِرِينَ.

امام علی علیه السلام : از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملت های پیش از شما آمد پرهیزید و احوال
خوب و بد آنان را به یاد آورید و از این که چون آنان باشید دوری کنید.

(۱۳۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

اگر در احوال نیک و بد آنان بیندیشید همان کاری را عهده دار شوید که عزیزشان گرداند و دشمنانشان را از آنان دورساخت
و تندرست نگاهشان داشت و نعمت و فراوانی به سراغشان آمد و نیکوکاری و بزرگواری باعث پیوند آنان گردید و آن از
تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدن و به یکدیگر مهربانی کردن و همدیگر را به این کار تشویق نمودن است و از کارهایی که
پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد دوری کنید ؛ کارهایی چون ورزی دل ها و دشمنی

ص: ۱۱۷

سینه ها و پشت کردن جان ها به یکدیگر و دست شستن از یاری هم و در احوال مؤمنان پیش از خود نیز بیندیشید... و بنگرید که آنان چگونه بودند آن گاه که جمعیت ها فراهم بودند و خواست ها یکی بود و دل ها یکسان بود و چگونه دست ها یار هم بودند و شمشیرها به کمک یکدیگر می آمدند و بینشان ژرف و اراده ها

پیامدهای اختلاف (۱۳۵)

یکی. آیا مهتران سراسر زمین نبودند و برگرده جهانیان شهر یاری نمی کردند؟ نیز به فرجام کار آن ها بنگرید آن گاه که در میانشان جدایی افتاد و رشته الفت از هم گسست و سخن ها و دل هایشان از هم جدا گشت و به دسته های گونه گونه تقسیم شدند و دسته دسته شده به جان هم افتادند. در این هنگام خداوند جامه کرامت را از تن آنان بر کند و نعمت های فراوانش را از ایشان گرفت و داستان

ص: ۱۱۸

سرگذشت آنها در میان شما ماند تا درس عبرتی برای عبرت آموزان باشد. (۱)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَيُّمَ اللَّهِ ، مَا اخْتَلَفْتُ أُمَّةً بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ»

۱ نهج البلاغه: الخطبه ۱۹۲.

(۱۳۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

امام علی علیه السلام: به خدا سوگند می خورم که هیچ امتی پس از آن پیامبر خود دچار اختلاف نشد جز آن که باطل گرایان آن امت بر حق خواهانش چیره گشتند، مگر آن جا که خدا نخواست. (۲)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكُمْ وَ التَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ ، فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكَرَّهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقِهِ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ ، وَ إِنَّ اللَّهَ - سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا ، مِمَّنْ بَقِيَ»

امام علی علیه السلام: از چندرنگی و اختلاف در دین خدا پرهیزید؛ زیرا یکپارچگی در

ص: ۱۱۹

۱- نهج البلاغه: الخطبه ۱۹۲.

۲- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید ۵/۱۸۱.

آنچه حق است ولی شما آن را ناخوش می دارید. از پراکندگی در آنچه باطل است اما خوشایند شما می باشد بهتر است. خدای سبحان به هیچ یک از گذشتگان و

پیامدهای اختلاف (۱۳۷)

باقی ماندگان بر اثر تفرقه و جدایی خیر و خوبی عطا نکرده است. (۱)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْتَى لَكُمْ طُرُقَهُ، وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةَ عُقْدَةٍ، وَيُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ، وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ، فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَاغَاتِهِ وَ نَفَثَاتِهِ»

همانا شیطان راه های خود را برای شما آسان و هموار می کند و می خواهد بندبند دین شما را بگسلاند و به جای یکپارچگی پراکندگی نصیبتان کند و بر اثر پراکندگی فتنه و فساد پدید آورد. پس از وسوسه ها و افسون هایش رویگردان شوید. (۲)

ص: ۱۲۰

۱- نهج البلاغه: الخطبه ۱۷۶.

۲- نهج البلاغه: الخطبه ۱۲۱.

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ ، لَأَعْظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدَالُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بِاطْلِهِمْ

(۱۳۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

وَتَفَرَّقَكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ»

به خدا سوگند، گمان می کنم که این قوم بزودی بر شما یکپارچه و متحدند و شما در حق خود دچار تفرقه و پراکنندگی هستید. (۱)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ فِي بَنِي أُمِّيَّةَ مَا لَمْ يَخْتَلِفُوا بَيْنَهُمْ»

تا زمانی که میان بنی امیه اختلاف نیفتد حکومت پیوسته در دست آنان خواهد بود. (۲)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ لِبَنِي أُمِّيَّةَ مِرْوَدًا يَجْرُونَ فِيهِ ، وَ لَوْ قَدْ اخْتَلَفُوا بَيْنَهُمْ ثُمَّ كَادَتْهُمْ الضَّبَاعُ لَغَلَبَتْهُمْ»

پیامدهای اختلاف (۱۳۹)

بنی امیه را میدان مهلتی است که در آن می تازند و آن گاه که در

ص: ۱۲۱

۱- نهج البلاغه: الخطبه ۲۵.

۲- كنز العمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴.

میانشان اختلاف افتد کفتارها بر آنان چیره گردند. (۱)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَلَالَةً»

هیچ گاه دو دعوت برخلاف یکدیگر نشد مگر این که یکی از آن دو (دعوت به) گمراهی بود. (۲)

اختلاف کفری الهی است

(۱۴۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَمَّا قَالَ لَهُ بَعْضُ الْيَهُودِ: مَا دَفَعْتُمْ نَبِيِّكُمْ حَتَّى اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ! : إِنَّمَا اخْتَلَفْنَا عَنْهُ لَا فِيهِ، وَ لَكِنُّكُمْ مَا جَفَّتْ أَرْجُلُكُمْ مِنَ الْبَحْرِ حَتَّى قُلْتُمْ لَنَبِيِّكُمْ: (اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ فَقَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»

یک نفر یهودی به علی علیه السلام گفت: هنوز پیامبر خود را دفن نکرده درباره

ص: ۱۲۲

۱- نهج البلاغه: الحکمه ۴۶۴ و ۱۸۳.

۲- نهج البلاغه: الحکمه ۴۶۴ و ۱۸۳.

او دچار اختلاف شدید! حضرت فرمود: ما در جانشینی او اختلاف کردیم نه درباره خود او. اما شما هنوز پاهایتان از آب دریا نخشکیده بود که به پیامبرتان گفتید: «همچنان که آنان را خدایان است برای ما نیز خدایی در نظر گیر، پس او گفت: شما مردمی نادانید». (۱).

۱ نهج البلاغه: الحکمه ۳۱۷.

پیامدهای اختلاف (۱۴۱)

معنای «پراکندگی امت من رحمت است»

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اِخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پراکندگی امت من رحمت است. (۲).

«الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَمَّا سَأَلَهُ عَبْدُ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيُّ : إِنَّ قَوْمَارَوْوًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

ص: ۱۲۳

۱- نهج البلاغه: الحکمه ۳۱۷.

۲- کنز العمال: ۲۸۶۸۶، قال المناوی فی الفيض (۱/۲۰۹).

قَالَ: إِنَّ اخْتِلَافَ أُمَّتِي رَحْمَةٌ : صِدَقُوا. قُلْتُ: إِنْ كَانَ اخْتِلَافُهُمْ رَحْمَةً فَاجْتِمَاعُهُمْ عَذَابٌ؟ قَالَ: لَيْسَ حَيْثُ ذَهَبَتْ وَ ذَهَبُوا، إِنَّمَا أَرَادَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: (فَلَوْلَا- نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ...)، فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَنْفِرُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَيَخْتَلِفُوا إِلَيْهِ فَيَتَعَلَّمُوا ثُمَّ يَرْجِعُوا إِلَى قَوْمِهِمْ فَيُعَلِّمُوهُمْ، إِنَّمَا أَرَادَ اخْتِلَافَهُمْ مِنَ الْبُلْدَانِ، لَا اخْتِلَافًا فِي دِينِ اللَّهِ ،

(۱۴۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

إِنَّمَا الدِّينُ وَاحِدٌ»

عبدالؤمن انصاری به امام صادق علیه السلام عرض کرد: عده ای روایت می کنند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پراکندگی امت من رحمت است. امام فرمود: راست می گویند. (عبدالؤمن می گوید:) عرض کردم: اگر پراکندگی آنان رحمت است پس یکپارچگی ایشان عذاب است؟ حضرت فرمود: معنای این حدیث آن گونه که تو و آنان فهمیده اید نیست بلکه منظور پیامبر این سخن خدای عز و جل است که: «چرا از هر گروهی از ایشان جماعتی کوچ نمی کنند...». خداوند به آنان

ص: ۱۲۴

فرمان داد که از هر سو نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بروند و آموزش ببینند و سپس نزد مردم خود برگردند و تعلیمات را به آنها نیز بیاموزند. منظور پیامبر پراکنده و جدا شدن آنها از شهرهایشان است نه پراکندگی در دین خدا

معنای «پراکندگی امت من رحمت است» (۱۴۳)

زیرا دین یکی بیش نیست. (۱)

علت تفرقه و جدایی

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ»

اگر نادان خاموشی می گزید مردم دچار اختلاف نمی شدند. (۲)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ، وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ، فَلَا تَوَازَرُونَ (تَأْزِرُونَ) وَلَا تَنَاصِحُونَ،

ص: ۱۲۵

۱- معانی الاخبار: ۱۵۷/۱.

۲- البحار: ۷۸/۸۱/۷۵.

وَلَا تَبَاذِلُوهُنَّ وَلَا تَحَدِّثْنَ

(۱۴۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

شما برادر دینی یکدیگرند و آنچه میان شما جدایی انداخته درون پلید و نهاد بد است، به این سبب بار یکدیگر را بر نمی دارید و برای هم خیرخواهی نمی کنید و به هم بذل و بخشش نمی کنید و با هم دوستی نمی ورزید. (۱)

علت تفرقه و جدایی (۱۴۵)

ص: ۱۲۶

۱- نهج البلاغه: الخطبه ۱۱۳.

فهرست مطالب

موضوع صفحه

مقدمه ۷ ●●●

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت ۹ ●●●

دسته اول آیات منع از تقطع و تحزب ۹ ●●●

دسته دوم آیات منع از اختلاف پس از وحدت ۱۱ ●●●

دسته سوم آیات منع از تنازع و سست شدن ۱۸ ●●●

دسته چهارم منع از تفرقه پس از کشف حقیقت ۲۳ ●●●

دسته پنجم آیات اختلاف احزاب ۳۱ ●●●

وحدت اصولی و حقیقی ۳۲ ●●●

(۱۴۶)

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم ۳۳ ●●●

بیان «محور» وحدت ۳۴ ●●●

یادآوری «دستاوردهای» وحدت ۳۴ ●●●

ص: ۱۲۷

تأکید بر وحدت «اصل و راه و هدف» ●●● ۳۵

کاشت بذر اخلاق گرایی «فداکاری و ایثار» ●●● ۳۶

تفویض اهداف والا و «مسئولیت‌های بزرگ» ●●● ۳۷

بیان معیارهای «برتری» ●●● ۳۸

تأکید بر «نقاط مشترک» ●●● ۳۹

(۱۴۷)

شیوه‌های مثبت گفت و گو ●●● ۴۰

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دید قرآن ●●● ۴۱

مقدمات گفت و گو ●●● ۴۱

دو طرف گفت و گو ●●● ۴۴

انتخاب برتر ●●● ۴۶

ص: ۱۲۸

فهرست مطالب

موضوع صفحه

احترام به عقاید دیگران و پرهیز از دشنام ●●● ۴۶

موضوع گفت و گو ●●● ۴۷

فضا سازی مناسب ●●● ۴۹

(۱۴۸)

شیوه گفت و گو برای تحقق وحدت اسلامی ●●● ۵۱

هدف از گفت و گو ●●● ۵۲

وحدت در نگاه امام علی علیه السلام ●●● ۵۳

راه وصول به وحدت ●●● ۵۵

دعوت به سوی وحدت ●●● ۶۲

دعوت به سوی اتحاد ●●● ۶۴

عذاب عظیم در انتظار اختلاف گرایان ●●● ۶۹

ص: ۱۲۹

بازگشت به قرآن عامل وحدت است ●●● ۷۱

(۱۴۹)

تخریب نمادهای تفرقه ●●● ۷۲

بتخانه ای در چهره مسجد ●●● ۷۵

تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکنید ●●● ۷۸

تفرقه هم ردیف عذاب های آسمانی ●●● ۸۲

تفرقه نشانه شرک است ●●● ۸۴

وحدت ثمره توحید است ●●● ۸۶

اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه ●●● ۸۹

زشتی تفرقه و نفاق ●●● ۹۱

رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی ●●● ۹۴

ص: ۱۳۰

موضوع صفحه

مذهب عامل وحدت است ●●● ۹۶

تفرقه عامل شکست ملت هاست ●●● ۹۹

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی ●●● ۱۰۱

دستور دخول در سلم جمعی ●●● ۱۰۵

وحدت از دیدگاه سنت ●●● ۱۱۳

معنای جماعت ●●● ۱۱۳

پیامدهای اختلاف ●●● ۱۱۴

اختلاف کیفی الهی است ●●● ۱۲۲

معنای «پراکندگی امت من رحمت است» ●●● ۱۲۳

علت تفرقه و جدایی ●●● ۱۲۵

هفت ویژگی منحصر بفرد در آثار مکتوب مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

۱ اعراب گذاری کامل

۲ طرح جلد ابداعی گرافیکی

۳ صفحه آرایشی شعر گونه و چشم نواز

۴ آزاد بودن هر گونه نسخه برداری و چاپ با هماهنگی مؤسسه

۵ همه محصولات مؤسسه پس از فروش و استفاده، در صورت سالم بودن پس گرفته می شود

(۱۵۲)

۶ فروش اقساطی به قیمت نقد و با تعیین اقساط توسط خریدار

۷ امضای حداقل یک مجتهد جامع الشرایط به نشانه تأیید محتوا

در صورتی که هر کس از صدر اسلام (۱۴۳۰ سال پیش) تاکنون یک نمونه کتاب قرآنی را با جمع

ویژگی های هفت گانه مذکور، به این مؤسسه ارائه دهد هزینه سفر عمره را جایزه می گیرد.

(قیمت گذاری کل محصولات مؤسسه بر مبنای هفت ویژگی اشاره شده، انجام می شود)

ص: ۱۳۲